



## روانشناسی جنایی و مولفه های جرم سیاسی در ایران (مطالعه تطبیقی عصر پهلوی اول و جمهوری اسلامی)

سید اسلام ظهرابی اصل<sup>۱</sup>

محمد خانی<sup>۲</sup>

هانیه قرونه<sup>۳</sup>

### چکیده

هدف اصلی روان‌شناسی جنایی شناخت عوامل مؤثر بر رفتارهای جنایی بزهکاران می‌باشد، روان‌شناسان جنایی با تبیین آموزه‌های خانوادگی و محیطی و همچنین تجارب اجتماعی تلاش می‌کنند تا علل بروز رفتارهای جنایی را تبیین نمایند. هدف اصلی روان‌شناسی جنایی بررسی عوامل مؤثر در بزه‌کاری مجرمان در جرایم مختلف می‌باشد. در ارتباط با این که چرا بایستی یکسری اعمال تحت عنوان جرایم سیاسی جرم‌انگاری شود و واکنش ضمانت اجرایی متفاوتی هم دریافت نماید دلایل ازسوی حقوق‌دانان ذکر شده‌است، نخست که این جرایم فاقد عناصر ضروری جرایم عادی مانند کینه‌توزی و خشونت می‌باشد. دوم موضوع و هدف جرایم سیاسی تغییر یک موقعیت سیاسی معین با ابزار غیرقانونی است در نتیجه چیزی که مورد تعرض قرار می‌گیرد حقوق دولت است و سوم این که از آن جایی که هدف مرتکب دولت و نهادهای سیاسی می‌باشد هیچ نقض حقوق خصوصی صورت نمی‌گیرد در واقع انگیزه ارتکاب جرم تا حد زیادی برگرفته از نگرانی‌های عمومی است نه امیال و اغراض شخصی مرتکب که همین امر دلیلی است بر لزوم جرم‌انگاری این جرایم و متمایز کردن آن‌ها از جرایم امنیتی که با سریع‌ترین ضمانت‌اجراهای کیفری مواجه می‌گردد و به تبع آن در نظر گرفتن شکل خاصی از ضمانت اجرا و نحوه رسیدگی می‌باشد. در قانون اساسی مشروطه به عنوان اولین متن مدون در راستای برقراری دموکراسی و قانونگذاری و در واقع مبدأ پایه‌ریزی نظام نوین سیاسی حقوقی ایران نیز در ماده هفتاد و نهم متمم خود به جرم سیاسی کرده‌است. طبق این ماده در موارد تقصیرات سیاسی و مطبوعات هیات منصفین در محاکم حاضر خواهند بود. البته از همان زمان تاکنون بلا تکلیفی تعریف و مصادیق جرایم سیاسی در نظام حقوقی ایران به چشم می‌خورد. در حقوق فعلی ایران نیز بنا به دلیل فقدان قانون اختصاصی و متناسب در همین زمینه، در سال ۱۳۹۵، قانونی تحت عنوان قانون جرم سیاسی مورد تصویب مقنن قرار گرفت که بر اساس مقررات موجود در آن، دستگاه قضایی می‌تواند

<sup>۱</sup> - عضو هیئت علمی گروه معارف، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران zhraby71@gmail.com

<sup>۲</sup> - استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران (نویسنده مسئول)

haniye.ghoruneh@gmail.com

<sup>۳</sup> - دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران

ghoruneh\_ahmad@yahoo.com

مبتهی بر قانون اختصاصی جرم سیاسی و شرایط حاکم بر دادرسی و صدور حکم آن، رسیدگی و صدور حکم نماید و دیگر از استناد به مواد عمومی قانون مجازات اسلامی برای برخورد با این جرم رهایی یابد. تمایز اصلی این پژوهش اثر مقالات تبیین شده در این حوزه شناخت روان‌شناسی جنایی در حوزه جرایم سیاسی می‌باشد، هدف اصلی تبیین مؤلفه‌های جرایم سیاسی در حوزه روان‌شناسی جنایی و شناخت شیوه برخورد با این جرایم می‌باشد شیوه تحقیق در پژوهش حاضر به صورت توصیفی تحلیلی است و در گردآوری مطالب از ابزار کتابخانه‌ای استفاده شده است.

واژگان کلیدی: جرایم سیاسی، روان‌شناسی جنایی، حقوق شهروندی، نهادهای سیاسی.

## مقدمه

با توجه به اینکه مرحله تحقیق و بازجویی از وظایف قضات دادسرا بوده و هدف از این مرحله جمع‌آوری دلایل و اسناد و مدارک برای احراز بزه‌کاری متهم و در صورت لزوم صدور قرار مجرمیت یا کیفرخواست از سوی دادسرا می‌باشد باید به این امر توجه ویژه‌ای نمود تا این‌که تحقیق و بازجویی از افراد با شخصیت‌های غیرعادی به طور فنی و علمی و با یاری جستن از مددکاران اجتماعی و روان‌کاوان و دیگر متخصصین انجام گیرد. زیرا بسیار بدیهی است که بازجویی از یک فرد سادیست یا شخصی که انحراف میل به دزدی دارد با اشخاصی با شخصیت‌های طبیعی و عادی بایستی تفاوت داشته باشد. اجرای مجازات یا اقدامات تأمینی و تربیتی، متناسب با متهم و دیگران، حفظ نظم عمومی و رعایت حقوق بزه‌دیدگان می‌تواند در بعضی موارد، قانون‌گذار را بر آن دارد تا به مقامات قضایی اجازه دهد که پیش از تعیین تکلیف نهایی موضوع اتهام و صدور حکم قطعی محکومیت، بعضی از آزادی‌های متهم را سلب کنند و یا محدودیت‌هایی برای او به وجود آورند. با توجه به مباحث بیان شده واضح است که توجه به شخصیت متهم در مرحله تحقیقات ابتدایی و در صدور قرار تأمین بسیار حائز اهمیت می‌باشد. چرا که مقام تحقیق پس از تفهیم اتهام به منظور تضمین حضور به موقع متهم در مواقع لزوم و جلوگیری از فرار او، ناچاراً بایستی با صدور قرار تأمین مناسب، که با وضعیت و شخصیت متهم تناسب داشته باشد تا بتواند به اهداف ذکر شده دست پیدا کند، جز از طریق آشنایی با شخصیت متهم امکان‌پذیر نمی‌باشد.

### ۱- بازجویی و تحت نظر

طبق ماده ۴۹ قانون آیین دادرسی کیفری که بیان می‌دارد «به محض آن‌که متهم تحت نظر قرار گرفت، حداکثر ظرف یک ساعت، مشخصات سجلی، شغلی، نشانی و علت تحت نظر قرار گرفتن وی، به هر طریق ممکن به دادسرای محل اعلام می‌شود... پاسخگویی به بستگان فوق درباره تحت نظر قرار گرفتن، تا حدی که با حیثیت اجتماعی و خانوادگی اشخاص تحت نظر منافات نداشته باشد ضروری است». همان‌طور که از متن ماده بر می‌آید حتی در مرحله تحت نظر نیز ضابطان دادگستری باید شخصیت متهم را در نظر گرفته به طوری که حیثیت اجتماعی و خانوادگی شخص زیرسوال نرود.

هم‌چنین در ماده ۵۱ قانون فوق‌الذکر بیان گردیده «بنا به درخواست شخص تحت نظر یا یکی از بستگان نزدیک وی، یکی از پزشکان به تعیین دادستان از شخص تحت نظر معاینه به عمل می‌آورند. گواهی در پرونده ثبت و ضبط می‌شود. بنا بر آن‌چه که از منطوق این مواد بر

می‌آید نشان از نوعی پرونده شخصیت افراد است و همانگونه که ذکر گردید قضات در تمام مراحل مختلف تحقیق، که می‌تواند این تحقیقات به اتخاذ تصمیم منتهی گردد باید شخصیت متهم را در نظر بگیرند.

در مرحله بازجویی از افراد، چه از طرف بازپرس انجام بگیرد و چه این بازجویی توسط ضابطان (پلیس) انجام گیرد، ممکن است با ۴ دسته از افراد مواجه شوند:

- ۱- قربانیان: کسانی هستند که اتهام علیه آن‌ها صورت گرفته است؛
- ۲- شاهدان: کسانی هستند که در صحنه حضور داشتند و اطلاعاتی از وقوع جرم دارند؛
- ۳- شاکی: کسانی هستند که جرم علیه آن‌ها صورت گرفته یا جرم را به پلیس گزارش می‌دهند.

۴- مظنونان: کسانی هستند که امکان دارد جرم توسط آن‌ها صورت گرفته باشد. حال پلیس تلاش دارد از شاهدان اطلاعات کسب کند و با بازجویی بتواند از متهم اعتراف بگیرد.

گارد جانسون معتقد است، روند مصاحبه استاندارد ۴ مرحله دارد که از آن‌ها به عنوان سوگیری، گوش کردن، پرسش و پاسخ و آگاهی نام برده می‌شود. در مرحله اول هدف از مصاحبه بیان می‌شود. سپس مصاحبه شونده دعوت می‌شود که به یادآوری وقایع بپردازد. در این مرحله پلیس سؤالات کمی از متهم می‌پرسد. در مرحله پرسش و پاسخ مصاحبه کننده سؤالات خاصی در رابطه با یادآوری گفته‌های شخص می‌پرسد. بر این اساس جای هیچ شکی وجود ندارد که استفاده مناسب از روان‌شناسی در اقدامات کارآگاهی، مراحل و فنون موجود را در بازجویی نه تنها توسعه داده بلکه در تحقیقات کارآگاهی مفید و مؤثر واقع شده است. (آلیسون، ۱۳۸۸، ۲۶۴) چرا که در امریکا استفاده از بازجویی تحلیل رفتار در تعیین احتمال گناهکار یا بی‌گناه بودن مظنون متداول است. ممکن است از افراد بی‌گناه بازجویی رسمی به عمل آید. کارآگاهان در تشخیص دروغ به بازجویی تحلیل رفتار متکی هستند.

#### ۲- صحنه جرم

طبق ماده ۱۳۰ قانون آیین دادرسی کیفری صحنه جرم باید توسط گروه بررسی صحنه جرم که حسب مورد پزشک قانونی، کارشناس بررسی صحنه جرم و تشخیص هویت، کارآگاهان نیروی انتظامی و عندالزوم سایر کارشناسان است، تحت نظارت بازپرس و در صورت ضرورت به سرپرستی وی بررسی شود.

روانشناسی جنایی و مولفه های جرم سیاسی در ایران (مطالعه تطبیقی عصر پهلوی اول و جمهوری اسلامی) / ظهراپی اصل - خانی - قرونه

بنابراین یک روان‌شناس در صحنه جرم در پی مدارکی است تا بتواند اثبات کند بین اتفاقی که در صحنه جرم افتاده و فردی که ممکن است مرتکب جرم شده باشد، رابطه‌ای برقرار کند. روان‌شناسی شاید به این معنا باشد که ذهن فرد رفتار وی را تحت تأثیر قرار داده و آن را کنترل می‌کند. با مطالعه رفتار در جرم، پلیس می‌تواند شخصیت فرد، اوضاع و احوال روانی و دلیل جرم وی و چگونگی انتخاب قربانیانش را درک کند. این دانش به عنوان راهنمایی برای درک چگونگی بررسی یک جرم و چگونگی مصاحبه و شرایط مصاحبه عمل کند.

از مهم‌ترین تأثیرات علم روان‌شناسی جنایی در حقوق جزا در بررسی صحنه جرم نمود پیدا می‌کند، که بسیار حساس، پیچیده، مهم و اثرگذار در عدالت کیفری می‌باشد. گاهی یک اشتباه ممکن است که سرنوشت یک پرونده قضایی را تغییر داده و رویه قضایی آن را با مشکلات جدی مواجه نماید. از این رو در بررسی صحنه جرم، پنج مرحله اساسی در نظر گرفته شده است، که در همه این مراحل علم روان‌شناسی جنایی بسیار تأثیرگذار می‌باشد. در ادامه به بررسی این پنج مرحله پرداخته می‌شود.

۲-۱- واکنش

مرحله اول شناسایی و بررسی صحنه جرم، واکنش نام دارد. این مرحله خود دارای مراحل فرعی دیگری است که به طور مختصر عبارتند از:

۲-۱-۱- آمادگی

تحقیقات مربوط به جرایم متهم زمانی می‌تواند بطور مؤثر دنبال شود که آمادگی لازم قبل از رسیدن گزارش مربوط به ارتکاب جرم ایجاد شده باشد. حفاظت از مدارک و کشف جرم باید بلافاصله پس از وقوع جرم آغاز شود، وجود آمادگی قبلی و حفظ این آمادگی موضوعی مهم و اساسی است.

۲-۱-۲- تجهیزات تجسسی

الف) امکانات و تجهیزات حفظ صحنه: تجهیزات و امکانات لازم برای حفظ صحنه جرم باید مهیا شده باشد. این تجهیزات می‌تواند شامل وسایلی از این قبیل باشد: نوارهایی برای حفظ

صحنه جرم، وسایلی برای حفظ صحنه از بارندگی (مثل ورقه های پلاستیکی بزرگ) در صورت لزوم رد یا اثرات لاستیک وسایل نقلیه نیز باید از عوامل طبیعی و آب و هوایی حفظ شود. (ب) تجهیزات و لوازم مستند سازی صحنه: قبل از دریافت هر گونه گزارش از جرم و جنایت وسایل لازم برای مستند سازی صحنه باید بلامانع و بدون واسطه در دسترس بازرس ها قرار داشته باشد. به علاوه همه لوازم و خودروهای که به منظور حمل و نقل بازپرس و تجهیزات استفاده می شوند باید به خوبی نگهداری شوند به طوری که در تمام مدت شبانه روز آماده ارائه خدمت باشند.

#### ۲-۱-۳- سازمان دهی واکنش ها

در جرائم مهم وجود چند بازپرس برای پیگیری جرم ضرورت پیدا می کند. با این وجود بازپرس ها می توانند به چند دسته تقسیم شوند: حداقل یک نفر برای کنترل اوضاع، یک نفر برای مصاحبه با بازماندگان جنایت و حداقل یک نفر اختصاصاً به مصاحبه و نگهداری و هدایت یا دستگیری افراد مشکوک پردازد. بنابراین لازم است که در تمام مراحل بازپرسی و تجسس، افراد مشکوک و قربانیان دور از هم نگه داشته شوند و مصاحبه با افراد، به خصوص افراد مورد سوژن به شکل خاصی انجام گیرد. البته مصاحبه با قربانیان نیز از زوایای دیگر دارای اهمیت است. چرا که فرد مصاحبه کننده در عین حال که سعی دارد سرنخ هایی را به دست بیاورد باید سعی کند به آن ها دلداری دهد، از طرفی برای جلب اعتماد افراد در زمان مصاحبه به نکات ریز و درشتی که در آن شرایط مطرح می شود توجه نماید و سرانجام به احساسات آن ها که گاهی بر زبان جاری نیست بلکه بر چهره نقش می بندد توجه خاصی مبذول دارد و این کاری است که از "روان شناسان با تجربه" ساخته است.

البته ممکن است که یک بازپرس با تجربه پس از کسب آموزش های لازم در عین حال یک روان شناس نیز باشد. در مصاحبه باید سعی نمود آن چه را که شهود مطرح می کنند یادداشت نمود. سوالات باید عاری از هرگونه اطلاعات و القای واقعه به صورتی خاص باشد. حتی در این صورت نیز گاهی شهود مجرم را به گونه ای تشریح می کنند که منطبق بر تصورات آن ها از مجرم است تا آن چه را در صحنه دیده اند. گاهی افراد با لباس فرم پلیس سعی می کنند از قربانیان که در حالت شوک هستند اطلاعاتی کسب کنند که احساسات آن ها جریحه دار می کند، این کار معمولاً از کسانی سر می زند که هیچ گونه اطلاعات روان شناختی ندارند.

روانشناسان زمانی که بحث عوامل انسانی و ارتباط با آنان مطرح می‌شود، مثل اقداماتی که در جهت جمع‌آوری اطلاعات از افراد مشکوک یا کسانی که قربانی یک جنایت شده‌اند و همچنین شاهدین جرم می‌توانند مفید واقع شوند. البته در رابطه با شاهد باید متذکر شد که پیش‌داوری‌های افراد ممکن است بر شهادت آنان اثر بگذارد یا مثلاً به دنبال توجه آنان به سلاح یا اتفاقاتی که ناگهان صورت می‌گیرد، چهره مجرم و سایر نکات مهم به گونه‌ای دیگری در ذهن شاهد شکل بگیرد. گاهی نحوه سؤال پرسیدن و بازپرسی از شاهدان عینی و مطلعین بر میزان اطمینان آنان بر مشاهدات خود اثر می‌گذارد. از نکات قابل توجه در صحنه جرم، تمرکز و توجه شاهدان عینی و مطلعین است. گاهی اشیاء و یا حوادثی باعث می‌شود تا توجه شاهدان به صحنه جرم کاهش یابد، که در این زمینه مشاوران و روان‌شناسان می‌توانند به شاهدان در تمرکز حواس، حفظ آرامش و یادآوری صحنه کمک رسانند.

#### ۲-۲- حفاظت

صحنه جرم باید با استفاده از وسایل لازم بسته شود و توسط افراد پلیس (با لباس فرم) تا اتمام کار و تحویل محل به مالک آن محافظت شود. این حفاظت شامل حفاظت از صحنه جرم از عوامل جوی (مثل بارندگی، یا از بین رفتن جای چرخ وسایل نقلیه به مرور زمان) حیوانات و عوامل غیر طبیعی (مثل آبی که آتش‌نشانان استفاده می‌کنند). مراقبت از افراد مظنون (که فرار نکنند)، محافظت از بازماندگان و شهود، محافظت از صحنه در برابر بازدید افراد و مقامات (که معمولاً از بازدید افراد غیر مرتبط جلوگیری شود و یا حداقل از آسیب رساندن به صحنه جرم توسط آن‌ها جلوگیری نمود). گاهی خود بازپرس‌ها صحنه جرم را با آوردن وسایل مختلف تغییر می‌دهند. باید سعی شود که حتی المقدور از آوردن وسایل غیر ضروری خودداری شود. باید تنها یک راه ورودی به صحنه جرم باز باشد که آن هم به شدت مراقبت شود. روان‌شناسان با حضور خود در صحنه، دادن آرامش به دیگران و کمک به حفظ و تمرکز حواس می‌توانند در کنترل اوضاع کمک کنند.

## ۲-۳- تجسس

آمادگی برای تجسس: همانگونه که قبلا یادآوری شد لازم است مصاحبه اولیه با کسانی که اطلاعاتی دارند، ترتیب داده شود. در این زمینه روان‌شناسان آموزش‌های خوبی را می‌توانند ارائه دهند. مصاحبه‌های اولیه، اطلاعاتی را به دست می‌دهند تا بازپرس بتواند کارش را شروع کند.

انواع مصاحبه: ۱- مصاحبه با ساختار، ۲- مصاحبه بی‌ساختار، ۳- ترکیبی از این دو نوع (مدرسی فر، ۱۳۹۷، ۵۶)

در مصاحبه باید به نکاتی توجه کرد، برخی از این نکات به این قرارند:

مصاحبه‌کننده باید به آن چه می‌بیند نیز توجه کند. گاهی چشمان فرد چیزی را می‌گوید که زبان او نمی‌گوید یا زبان چیز دیگری را می‌گوید. مصاحبه‌کننده باید به احساسات و عواطف توجه کند. گاهی عواطف و احساسات فرد با آن چه که بیان می‌دارد هماهنگ نیست. این موضوع بسیار اهمیت دارد. به عنوان مثال موضوع غم‌انگیزی مطرح می‌شود ولی چهره چندان غمگین نیست و یا برعکس.

به چهره و رنگ و رخسار فرد توجه شود. به تأکیدات فرد بر بیان بعضی از مسائل توجه شود. چرا او اصرار دارد مطلبی خاص را به گونه‌ای مطرح کند. چرا می‌خواهد مصاحبه‌کننده به موضوعی خاص توجه کند یا برعکس چرا موضوعی را خیلی خلاصه بیان می‌دارد و سعی می‌کند از کنار آن رد شود.

آیا مصاحبه‌شونده مضطرب است؟ اگر بلی چرا؟ در چه مواقعی و در برابر چه پرسش‌هایی اضطراب او افزایش یا کاهش می‌یابد؟

شرایط مصاحبه باید توسط مصاحبه‌کننده تعیین شود. گاهی مصاحبه باید انفرادی صورت گیرد و گاهی باید در حضور فرد دیگر یا به صورت گروهی.

موارد زیاد دیگری نیز در مصاحبه باید در نظر گرفته شود. یکی از موارد مهم میزان صداقت با دروغ‌گویی فرد در زمان مصاحبه است. در روان‌شناسی ابزار و تست‌های روان‌شناسی خاصی برای این منظور تهیه شده است.

لازم به یادآوری است که با توجه به ساخت بسیاری از ابزارآلات مربوط به آزمایشگاه‌های روان‌شناختی در داخل کشور، مطمئنا دستگاه دروغ‌سنج در ایران قابل ساخت است. ولی به دلیل عدم تقاضا تاکنون اقدامی برای آن صورت نگرفته است.



#### ۴-۲- تجزیه و تحلیل

در این مرحله باید به تجزیه و تحلیل صحنه جرم پرداخت. بهتر است این کار به صورت گروهی انجام شود. البته مانعی ندارد که هر کس از قبل تجزیه و تحلیلی آماده کرده باشد. در این زمینه یکی از مهمترین سؤالات این است که چه کسی و با چه انگیزه‌ای مرتکب جرم شده است.

در این زمینه نیز روان‌شناسان با در نظر گرفتن ویژگی های شخصیتی مجرم احتمالی و انگیزه‌های او می‌توانند کمک شایانی به مسئولین قضایی بنمایند.

#### ۵-۲- مرحله پایانی

در این مرحله مدارک موجود در صحنه جمع‌آوری و به محل مناسبی منتقل می‌شود. در این مرحله اگر نیاز باشد صحنه جرم همچنان محافظت می‌شود یا صحنه جرم به حالت اولیه باز می‌گردد. در مراحل پایانی نیز روان‌شناسی با کنترل اوضاع به مسئولین قضایی کمک می‌رساند. (مدرسی فر، ۱۳۹۷، ۵۷)

#### ۳- شهادت

پژوهش‌های روان‌شناختی مبین این حقیقت است که نارسایی در شهادت و پذیرش کورکورانه شهادت می‌تواند خطرات جدی به همراه داشته باشد. بنابراین ضرورت دارد که بررسی صحت اظهارات شهود، جایگزین زودباوری و پذیرش بی‌چون و چرای آن شود. شناخت قاضی به علم روان‌شناسی قضایی شاهد و عوامل مؤثر بر روان شاهد در مرحله تحمل و ادای شهادت، موجب اقناع وجدان خود شده و با وجدان راحت مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

#### ۳-۱- عوامل سازنده ذهنیت شاهد

روان‌شناسی حقوقی به این نتیجه رسیده‌اند که عناصر و عواملی نظیر: شخصیت، سن، نژاد، حافظه و هیجان، نقش مؤثر در شکل‌گیری ذهنیت شاهد دارند.

#### ۳-۱-۱- شخصیت

شخصیت از جهات گوناگون مانند: برون‌گرا یا درون‌گرا بودن، روان‌آزردگی، وظیفه‌شناسی، گيجی، کم‌دقتی، انحرافی بودن، جامعه‌ستیزی، اسکیزوفرنی، توصیفی، تفسیری و

سطحی مورد بررسی قرار می‌گیرد و همچنین چگونگی تیپ‌های مختلف شخصیتی که می‌تواند در انواع مختلف بازجویی و تحقیق شهود مؤثر باشد و اینکه تیپ‌های مختلف شخصیت شاهدان در مرحله ارزیابی نهایی قضایی چگونه و به چه اندازه تأثیرگذار است. گذشته از اختلافی که در زمینه تقسیم‌بندی ویژگی‌های شخصیتی میان پژوهشگران وجود دارد اما نوعی توافق در رابطه با پذیرش پنج بعد ویژگی شخصیتی آدمی متصور هستند، که این پنج بعد عبارتند از: منعطف بودن، وظیفه‌شناسی، برون‌گرایی، دل‌پذیر بودن، روان‌آزرده‌خویی.

### ۳-۱-۲- جنسیت

یکی از مهم‌ترین معیارها، بحث تفاوت جنسیتی می‌باشد، چرا که به دلیل تفاوت‌های مختلف در فرهنگ‌ها به خصوص فرهنگ‌های اسلامی، تفاوت‌هایی میان شهادت مرد و زن قائل شده‌اند و از سوی دیگر جنبش‌های فمینیستی در کنار تحقیقات علمی، به برابری شناختی توانایی مرد و زن معتقدند، بنابراین این تضاد اجتماعی به بحث‌های روان‌شناختی و حقوقی نیز کشیده می‌شود. از تحقیقاتی که راجع به تفاوت زن و مرد صورت گرفته می‌توان به مواردی از آن‌ها اشاره کرد:

در رابطه با پژوهش‌هایی که در این زمینه صورت گرفته می‌توان به علتی مانند حافظه شناختی زنان برای تشخیص چهره اشاره کرد که نسبت به مردان دقیق‌تر هستند. محققان دریافتند که میزان موفقیت تشخیص رنگ چهره، در دختران ۸۱٪ به نسبت ۷۱٪ در پسران بوده است. همچنین بر اساس مشاهدات صورت گرفته از سوی روان‌شناسان در بحث تفاوت میان مرد و زن می‌توان به تغییرات هورمونی زنان در عادات ماهیانه و نیز تغییرات دوره یائسگی و پس از آن اشاره کرد که موجب تغییراتی در توانایی‌های شناختی و یادآوری آن‌ها می‌شود که در جهت امر و موضوع شهادت دچار مشکل و آسیب‌رسانی به واقعیت‌ها در خلال اتفاقات صورت گرفته می‌شود. طبق نظریه‌های اولیه در خصوص تفاوت‌های جنسیتی شهود حاکی از این موضوع است که توانایی مردان به طور کلی بیشتر از زنان است. یکی از این نظریه‌پردازان، ویلیام استرن<sup>۱</sup> است که ادعا می‌کرد توانایی‌های شناختی مردان بهتر از زنان است. هرچند، تحقیقات زیادی یافته‌های او را به چالش کشیدند و نشان دادند که به طور کلی، هیچ تفاوتی بین توانایی شهود مرد و زن وجود ندارد. (D. yarmey, ۲۰۱۰، ۵۵۹-۵۶۳)

<sup>1</sup>- Stern

در آزمونی در سال ۱۹۷۸ کلیفورد<sup>۱</sup> و اسکات<sup>۲</sup> ثابت کردند که زنان و مردان در یادآوری جزئیات یک واقعه غیر خشونت آمیز برابرند. (آشوری، ۱۳۹۵، ۶۳) اما مردان در یادآوری جزئیات یک واقعه خشونت آمیز بهتر از زنان هستند. (Clifford, B.R. ۱۹۸۷، ۵۲-۵۹) همچنین در آزمونی، فیلمی به آزمون شونده‌گان نشان داده شد که در آن فیلم، مردی به زنی نزدیک شد و از او تقاضای پول کرد، ولی زن امتناع کرد و بعد مرد به زن حمله و کیفش را ربود. نتایج این آزمون نشان داد، که زنان در یادآوری صحنه‌ای که قربانی آن زن هست، دقیق‌تر هستند. در آزمونی دیگر که بر روی دانشجویان دوره لیسانس رشته روان‌شناسی انجام گردید، یکی از دانشجویان مرد و یک زن در کلاس کنفرانسی ارائه دادند. روز بعد، پرسشنامه‌ای در اختیار دانشجویان کلاس قرار داده شد که مربوط به روز قبل می‌شد. نتایج آزمون نشان داد که روی هم رفته، زنان در خصوص سؤالاتی که مربوط به زنان می‌شد، نسبت به مردان قابل اعتمادتر بودند. (آشوری و همکاران، ۱۳۹۵، ۵۷) به طور کلی تحقیقات نشان می‌دهد که هیچ تفاوت محسوسی بین توانایی‌های شناختی بین زنان و مردان وجود ندارد و اینکه چرا بین شهادت زن و مرد در دین اسلام قائل به تفکیک شده‌اند هیچ مبنای علمی وجود ندارد.

۳-۱-۳- نژاد

نژاد را به عنوان یکی از مهمترین عوامل تأثیرگذار بر شهادت، می‌توان برشمرد. موضوعیت نژاد در کشورهایمانند آمریکا، که دارای اختلاط نژادی فراوان است، بیشتر از کشورهای دارای نژادهای یک دست، نمایان می‌شود. همچنین می‌توان موضوعیت بحث در حقوق کنونی را، با بحث قومیت در ایران مقایسه کرد. با اینکه نژاد مفهوماً با مسئله قومیت‌ها متفاوت است. ولی در برخی موارد ممکن است عوامل قومیت و نژاد توأمان در ادای شهادت، تأثیر داشته باشند. زیرا به همان نسبت که عامل نژادی، ممکن است باعث مقاومت شاهد در بیان یا تحریف واقعیت‌ها شود، مسئله قومیت نیز، می‌تواند موجب مقاومت یا دگرگونی واقعه در بیان شهادت شاهد باشد. تحقیقات انجام‌گرفته نشان از آن دارد که عامل نژاد می‌تواند یکی از عوامل

2- Clifford

3- Scott

تأثیرگذار بر رو اعتبار شهادت باشد. طبق آزمون‌های روان‌شناسی که در این خصوص انجام گرفته است و نتایج آن بیان می‌دارد در ارزیابی اعتبار شهادت شاهدین، به اختلاف نژاد میان شاهد و مشهود علیه باید توجه نمود.

برای نمونه در آزمون‌های که بر روی دانشجویان سفیدپوست از دانشگاه ایلینیز<sup>۱</sup> و دانشجویان سیاه‌پوست از دانشگاه هاروارد صورت گرفت، در این آزمون، هر دانشجو باید در یک ثانیه ۱۰ سفید پوست و ۱۰ سیاه پوست را می‌دیدند. نتایج آزمون حکایت از آن داشت که دانشجویان در شناسایی چهره هم‌نژاد خود بهتر از غیر هم‌نژاد خود بوده‌اند. (آشوری و همکاران، ۱۳۹۵، ۶۴)

با توجه به آن چه بیان گردید عدالت قضایی ایجاب می‌کند که بازپرسان و قضات به اختلاف نژاد میان شاهد و متهم به عنوان یک اماره منفی در اعتبار شهادت توجه داشته باشند و با پیش‌فرض‌های منفی در مورد ارزیابی یک نژاد خاص در حافظه و توانایی شناختی آنان شتاب‌زده تصمیم‌گیری نکنند.

۳-۱-۴-سن

سن یک مقوله مهم تلقی می‌شود و در طول زندگی عملکردهای حسی و ادراکی به طور دائم در حال تغییر می‌باشند ولی این تغییرات در دوران جوانی کندتر از دوران کودکی و نوزادی رخ می‌دهد و این در حالی است که با رسیدن به سن چهل سالگی این تغییرات رفته رفته کاهش می‌یابند. (کورن استنلی، ۱۳۸۷، ۲)

در این رابطه می‌توان به بالا رفتن سن اشاره کرد که موجب حساسیت بینایی و شنوایی می‌شود و نیز به عارضه پیرچشمی که تأثیرگذار در رابطه با موضوع شهادت است، اشاره نمود. از جمله تغییرات دیگر در رابطه با بالا رفتن سن می‌توان به تغییرات مغزی اشاره کرد، زیرا که افراد پیر نمی‌توانند مانند جوانان عکس‌العمل سریع از خود نشان دهند. تحقیقات نشان داده که ۱۵٪ افراد ۱۵ ساله را می‌توان در گروه افرادی که نقص شنوایی دارند، قرار داد. این آمار در افرادی که ۷۰ سال دارند و دارای مشکل شنوایی هستند به ۷۵٪ می‌رسد. هم‌چنین تفاوت‌های بارزی بین حافظه بزرگسالان و کودکان وجود دارد. به عنوان مثال توانایی حافظه کوتاه‌مدت یک کودک در خصوص ذخیره اطلاعات کمتر از بزرگسالان است و یا اینکه بزرگسالان در میزان انتقال اطلاعات حسی از حافظه کوتاه‌مدت به حافظه بلندمدت نسبت به کودکان توانایی

<sup>1</sup>- Illinois

روانشناسی جنایی و مولفه های جرم سیاسی در ایران (مطالعه تطبیقی عصر پهلوی اول و جمهوری اسلامی) / ظهراپی اصل - خانی - قرونه

بیشتری دارند که این امر نشان دهنده این است که یادآوری اطلاعات کودکان ضعیف تر از بزرگسالان می باشد.

یکی از مهمترین مسائل که در بررسی شهادت کودکان حائز اهمیت می باشد، مسئله تلقین پذیری کودکان می باشد. بنابراین نیاز اساسی به ترقی مهارت های مصاحبه با کودکان توسط افسران پلیس، بازپرسان و قضات و اجتناب از سؤالات تلقینی، وجود دارد.

۳-۲- روان شاهد و مرحله تحمل شهادت

در تحمل شهادت یک سری عوامل روانی بر ادراک تأثیرگذار می باشد که این عوامل ممکن است عینی، خارجی و یا مربوط به محیط اطراف و... باشد که در بررسی هر یک از این عوامل پرداخته می شود.

۳-۲-۱- شرایط عینی

شرایط عینی یک شرایط غیر شخصی است که هیچ ارتباطی با شخصیت شاهد نداشته و به عبارت بهتر شرایط خارجی محسوب می گردد، اما همین شرایط می تواند بر ادراک شاهد تأثیرگذار باشد. از جمله این شرایط می توان به مدت زمان، نور، مکان، کیفیت و نحوه وقوع جرم اشاره نمود.

۳-۲-۱-۱- نحوه وقوع جرم

در تحقیقی که ریچاردز<sup>۱</sup> در سال ۱۹۸۱ در مورد تأثیر ماهیت و چگونگی صحنه رویدادها به عمل آورد به نتایج جالبی دست یافت. وی به افراد تحت آزمایش، یکی از شش صحنه متفاوت را به صورت فیلمی ویدیویی عرضه نمود. سه فیلم حاوی یک جرم خشونت آمیز بود که در آنها به یک زن حمله و کیف وی ربوده می شد. در سه فیلم دیگر، همان افراد نقش داشتند بدون اینکه خشونت آمیزی رخ دهد. در هر صحنه مرد مورد نظر تنها یا همراه با دو نفر یا همراه با چهار نفر دیگر بود. نتایج نشان دادند که به یادآوری ویژگی های مرد، در صحنه خشن از دقت و صراحت به مراتب کمتری برخوردار می باشد. در صحنه های آرام، به یادآوری تحت تأثیر تعداد

---

<sup>1</sup>- Richards

افراد قرار نمی‌گرفت در حالی که در صحنه خشونت‌آمیز، با افزایش تعداد افراد و در نتیجه با پیچیدگی بیشتر صحنه، به یادآوری به تدریج مبهم‌تر می‌شد. (رئوفیان و همکار، ۱۳۹۶، ۳۲) بنابراین می‌توان به این نتیجه دست یافت که هر چه پیچیدگی یک رخداد بالاتر باشد و یا این که این رخداد تخصصی باشد شهود عادی در درک و ضبط آن ناتوان‌تر هستند.

### ۳-۲-۱-۲- نوع و ماهیت جرم

تأثیر نوع و ماهیت جرم می‌تواند بر روی شهادت اثرگذار باشد به این صورت که هرچه درجه و وخامت جرم بیشتر و خشونت‌آمیزتر باشد، به دلیل فشار و استرس ناشی از وقوع جرم، فرد توجه کمتری به جزئیات نموده و با ادراک سطحی به موضوع واقف می‌شود. بنابراین در صحنه‌هایی از جرم که از خشونت کمتری برخوردار است توجه بیشتری نموده و تمام جزئیات را به خطر می‌سپارد.

با توجه با آن‌چه که بیان گردید دادرسان در هنگام رسیدگی و استماع اظهارات شهود باید نوع و ماهیت جرم توجه نموده و تأثیر آن را بر شهادت شهود بررسی نمایند.

### ۳-۲-۱-۳- نور صحنه جرم

بررسی موقعیت مکانی ارتکاب جرم، میزان روشنایی، روز یا شب بودن، همگی حاکی از آن است که این عوامل می‌تواند اظهارات شهود را تحت تأثیر قرار داده باشد. مثلاً وقتی حادثه ای در شب اتفاق می‌افتد اظهارات شهود ناقص‌تر می‌گردد و صحت ادراک وقایع در روز بهتر از پایان غروب و شب می‌باشد. بنابراین دادرسان در هنگام استماع اظهارات شهود باید زمان دقیق وقوع حادثه و میزان نور موجود در صحنه جرم را شناسایی کرده تا بتواند تحلیل دقیق‌تری از اظهارات شهود به دست آورد.

### ۳-۲-۱-۴- مدت زمان مشاهده

مدت زمان ادراک رویداد بر حافظه نقش بسزایی دارد زیرا هرچه مدت مشاهده طولانی‌تر باشد فرد می‌تواند به جزئیات بیشتری از واقعه توجه نموده و در نتیجه به ادراک مناسب‌تری از موضوع دست پیدا کند.

تمامی موارد فوق‌الذکر به عنوان عوامل خارجی، ادراک را تحت تأثیر قرار داده و دادرسان باید در مقام رسیدگی به آن‌ها توجه کامل نموده و بهترین تصمیم را اتخاذ نمایند.

### ۳-۲-۲-۳- شرایط شخصی

از جمله عواملی که تأثیر مستقیم بر درک فرد از واقعه می‌تواند داشته باشد، شرایط شخصی است. این شرایط تحت عنوان شرایط درونی شامل مصادیقی مانند، عادات روانی، میزان توجه، احساسات درونی و هیجان می‌باشد.

### ۳-۲-۲-۳-۱- عادات روانی

برای روشن شدن این موضوع به بیان مثالی می‌پردازیم. استادی متوجه می‌شود که مدالی که هر روز صبح به بند ساعت خود می‌آویخت گم شده است. شاگردان کلاس تصدیق می‌کردند که صبح همان روز مدال را دیده‌اند که با ساعت آویخته شده است و تمام جزئیات آن را شرح دادند. اما مدال در رستورانی پیدا می‌شود که استاد روز قبل در آنجا برای غذا خوردن به آنجا رفته است.

با این مثال مشخص می‌شود که افراد در زندگی خود دچار چنین اشتباهاتی می‌گردند و گمان می‌کنند کاری که هر روز انجام شده است در آن روز معین هم انجام گرفته است. به دیگر بیان تکرار یک عمل ما را به عادت می‌رساند. بنابراین ارزشیابی هر شهادت مستلزم در نظر گرفتن رابطه فرد با موضوع در مرحله نخستین از ادراک می‌باشد. زمانی که درک به صورت ناقص صورت گیرد شخصیت و عادات روانی فرد سعی می‌کند که نواقص را تکمیل نماید. پس به این نتیجه می‌رسیم که هر ادراکی، برداشت مستقیم از واقعه نمی‌باشد و عادات روانی و شخصیت فرد بر این ادراک تأثیر می‌گذارد.

### ۳-۲-۲-۳-۲- میزان توجه

شرایط شاهدهی که دارای آمادگی قبلی می‌باشد با شاهدهی که به طور ناگهانی، غیر ارادی، غیر منتظره و بدون رغبت شاهد واقعه‌ای میشود تفاوت بسیار دارد. مساله رغبت و انگیزه یکی از عواملی مؤثری می‌باشد که می‌تواند در برانگیختن توجه اثرگذار باشد. عوامل گوناگون دیگری مانند مشغله ذهنی فرد می‌تواند در میزان توجه اثرگذار باشد.

بنابراین دادرسان در مقام رسیدگی باید به این شرایط توجه کافی را داشته باشد و بررسی نماید که آیا شخص شاهد توجه کافی در هنگام تحمل شهادت را داشته است یا خیر.

### ۳-۲-۲-۳-احساسات و عواطف

ممکن است ادراک شخص با استفاده از عواطف و احساسات به سوی دیگری منحرف شود و یا این که انسانی که دستخوش خشم شدیدی است حقایق را به دست فراموشی بسپارد و بدون توجه به تأثیر حالات هیجانی خود اطلاعاتی درباره واقعه به دست آورد که راجع به صحت آن هیچ گونه تردیدی نداشته باشد و هیجان و خشم خود را جانشین منطق و استدلال می کند و به داوری و قضاوت درباره وقوع حادثه می پردازد.

بنابراین کسی که باید با توجه به شهادت حکم کند لازم و ضروری است که بداند شاهد تحت چه شرایط روانی و عاطفی به تحمل شهادت پرداخته و اینکه بتواند این هیجانات و عواطف را مشخص کند تا از این طریق بتواند دقیق تر به ارزشیابی شهادت و احقاق حق پردازد.

### ۳-۲-۲-۴-هیجان

هیجان عبارت است از وضعیت پیچیده ای که در پاسخ به تجربه های دارای بار احساسی ارائه می شود.

مصادیق آن از جمله: ترس، شادی، عصبانیت، نفرت، استرس که در صحنه دنیای واقعی هر لحظه و هر روز اتفاق می افتند که ممکن است در صحنه دادگاه نیز روی دهند. (Belmont, 1990, 11)

وقتی شخص متهم و یا شاهد هیجان های مختلف را در صحنه دادگاه نشان می دهد، استنباط های مختلف را در قضاوت و هیأت منصفه بر می انگیزاند و در بسیاری از موارد قضاوت و هیأت منصفه به درست یا نادرست، بر مبنای همین هیجان ها قضاوت خود را بنا می کنند. بر اساس جدولی که توسط یک روان شناس به نام پلاچیک ساخته و پرداخته شده در آن اقسام هیجان و ساز و کار آن به جنبه های مختلفی تقسیم بندی شده است، که در آن هیجان به هشت دسته ذیل می باشد:

اندوه ناشی از مرگ عزیزان، ترس ناشی از تهدید، خشم ناشی از مانع، شادی به خاطر همدم، اعتماد به خاطر عضو خانواده بودن، انزجار به خاطر رؤیت شی وحشت انگیز یا انتظار و شگفتی ناشی از یک شی نوظهور که هر کدام از مصادیق هیجان هستند که دارای بار احساسی خاص خود می باشند یکی از مواردی که خشونت زیادی را می طلبد و تأثیر بسیار مخربی بر



عواطف و احساسات شخص می‌گذارد جرایمی است که در آن مجرم با اسلحه گرم به ایجاد عمل بزه کارانه خود مثلاً سرقت از بانک، که باعث استرس و هیجان منفی ترس در شاهدین احتمالی است که در آن‌ها بیشتر بروز می‌کند. در این رابطه و تأثیر استرس و ترس می‌توان گفت که شاهد اثر منفی یا مثبت قویتری نسبت به سایر هیجان‌ها و حافظه شخص شاهد دارد و قضات و هیأت منصفه چندان به دنبال یافته‌های روان‌شناختی نیستند. روان‌شناسان قضایی تحقیقات فراوانی در خصوص مسأله استرس شاهد و تمرکز بر اسلحه انجام داده‌اند که از متخصصین روان‌شناسی است، اشاره نمود. آن‌چه که در رابطه با کارکرد حقوقی عامل هیجان در تحمل شهادت می‌توان گفت، به این شرح است که:

بر مبنای تحلیل یکی از محققان قدیمی: احساسات (هیجان‌ها) بزرگترین منبع توهم است که عملیات عقلی را مختل می‌سازد. فردی که تحت تأثیر ترس است، چیزی که کوچکترین شباهتی با محرک ترسناک دارد را به عنوان محرک شناسایی می‌کند. بنابراین این عمل دستگاه ادراکی ناشی از هیجان، فلج می‌شود.

هم‌چنین عشق و نفرت و به ویژه نفرت، تأثیرات چشم‌گیری در قضاوت دارند. عشق ادراک را محدود و مختل می‌کند ولی خطرناک نیست. زیرا امری دلنشین است. اما نفرت سبب دروغ‌گویی و خطای حسی می‌شود. به طوری که احتمال دارد امر شهادت را کلاً و از ریشه به خطا اندازد. بنابراین، از شاهد عینی کینه‌توز که بدخواه دیگران است باید ترسید و احتراز نمود.

بنابر آن‌چه که بیان گردید می‌توان به این نتیجه رسید که هیجان‌ات می‌توانند در تصمیم‌گیری و قضاوت ما تأثیر داشته باشند. قاضی یا بازپرس هنگام ارزیابی شهادت باید بررسی کند که حالت هیجانی شاهد حین تحمل حادثه چگونه بوده است. البته از روی هیجان موقع ادای شهادت، می‌توان پی به هیجان زمان تحمل حادثه برد، زیرا اگر حادثه‌ای ترسناک اتفاق افتاد، در این صورت هنگام اداء حداقل برای بار اول همان هیجان تکرار و تداعی شده و در فیزیولوژی و چهره شاهد آشکار می‌شود. بنابراین پس از آن که وجود و شدت هیجان مزبور احراز شد می‌باید بررسی کرد که هیجان مذکور چه تأثیر منفی در حافظه شاهد دارد.

۳-۲-۵- پیش فرض‌ها

کلیه باورها و تصورات تداوم یافته ذهنی، که در سه مرحله شناخت و یادآوری و تفسیر کردن قضایا تأثیرگذار هستند «پیش فرض‌ها» نامیده می‌شود. این باورها، جهت‌گیری خاصی را به اطلاعات خام اخذ شده از دستگاه‌های حسی تحمیل می‌نمایند. بنابراین پیش فرض، شامل بافت و تصورات قابل‌ی و اسنادها طرح واره‌ها هستند. در واقع به عمد اصطلاح پیش فرض در معنای فوق جعل شده است تا بتواند نظریه‌های کاربردی روان‌شناسی را که با عناوین مختلف طبقه‌بندی می‌شوند، ضمناً بحث از جنبه‌های کاربردی حقوقی نیز واجد این فایده است که به مقنن قابلیت پیش بینی آن عناصر ذهنی را می‌دهد که موجب تحریف واقعیت مورد شهادت می‌شوند. و شاهد را از حالت بی طرفی خارج می‌کنند. تا مبادا آلودگی و تیرگی پیش فرض موجود در ذهن شاهد به ذهن قاضی تسری پیدا کند.

پیش فرض دیگر مربوط به پیش فرض تفسیری شناختی می‌باشد، که منظور از آن قالب‌های ذهنی است که باعث می‌شود ذهن شاهد هم در مرحله ادراک قضیه و هم در مرحله یادآوری و ادای آن، به سوگیری و جهت‌گیری متمایل کند. مثلاً شهادی با پیش فرض سوءظن به متهم، در حالی که شخص دستش را در کیفش بکند اما شاهد با تصور و ذهنیت اشتباه که در جیبش چاقو داشته و قصد تهدید مجنی‌علیه را داشته، این واقعه ذهنی با یک پیش فرض تبدیل به واقعه ادعایی شهادتی خواهد شد. ویژگی این پیش فرض‌ها آن است که بیشتر در مرحله تفسیر شاهد از قضیه و نه ادراک وی مؤثر است. به این معنا که شاهد واقعی مورد ادعا، مثلاً چاقوکشی، واقعیت فوق را صراحتاً ندیده بلکه استنباط و ادراک می‌کند. در واقع شاهد اینجا از مرحله شهادت عبور کرده و به خود جرأت داده و غاصبانه به مرحله قضاوت وارد شده و بعضاً حکم نیز، برای متهم صادر می‌کند. قاضی تیزبین می‌باید، با دقت ویژه ادراکات وی را از تفسیرهای وی متمایز و بعد ارزیابی کند. در ادامه بحث پیش فرض‌ها و اینکه بتوان در مقابل آن‌ها سپری قرار داد و به مقابله با آن‌ها برخاست، می‌توان استفاده از سیستم بازپرس و تحقیق متقابل از شهود را که برگرفته از حقوق کامن‌لا است برای سیستم قضایی ایران توصیه کرد. (دادستان، همان، ۲۱)

در این مورد با تفسیر موسع از ماده ۲۳۸ آیین دادرسی مدنی، به پرسش و پاسخ‌های خود اکتفا نکرده، بلکه به طرفین دادرسی به ویژه وکلای اجازه تحقیق و پرسش‌گری از شهود را داد.

زیرا با وجود پیش‌بینی مقنن و حق قائل شدن برای طرفین و وکلای آن‌ها، عملاً این تحقیق و پرسش و پاسخ از شهود توسط اصحاب دعوا به طور نظام‌مند انجام نمی‌پذیرد.

### ۳-۳-۳- روان شاهد در ادای شهادت

یادآوری و بازگویی تحت تأثیر چگونگی شکل‌گیری تصاویر قرار دارند البته در جریان فرآیندهای بعدی نیز تحت تأثیر قرار می‌گیرند اما با این حال شرایط یادآوری از تثبیت آن‌ها از درجه اهمیت کمتری برخوردار است.

### ۳-۳-۱- یادآوری و بازگویی

گذشت زمان، به تغییر، بازسازی، کمرنگ شدن و حتی محو شدن خاطرات کمک می‌کند و تمامی آن‌چه را که از یک رویداد درک و ضبط گردیده است دچار اختلال کرده و ناقص می‌کند. گذشت زمان باعث می‌شود وقایع ضبط شده و جزئیات آن یکی پس از دیگری فراموش شود و یا این جزئیات چنان درهم پیچیده شود که دیگر قابلیت ارائه نداشته باشد. به همین دلیل است که بین دو شاهد که با فاصله زمانی واقعه‌ای را مشاهده کرده‌اند، شهادتی که زمان مشاهده نزدیک‌تری دارد ارجح شمرده می‌شود.

هم‌چنین اگر از شخصی شهادت‌های متعددی صورت پذیرد، شهادت ابتدایی باید ملاک قرار گیرد زیرا که فرد در شهادت اولیه خود تخیلات و افکار خود را با واقعیت ترکیب نکرده است و واقعه را به همان صورتی که رخ داده بیان می‌کند. در نهایت باید به این نکته توجه داشت که فواصل زمانی، احتمال بروز اشتباه را در شهود افزایش می‌دهد و اختلاف نظر شهود به مراتب بیشتر می‌شود.

### ۳-۳-۲- فضای حاکم اطراف شاهد

در فاصله زمانی بین تحمل شهادت و ادای شهادت ممکن است رویدادهایی رخ دهد که بر ادراک و بازگویی شهادت اهمیت بیشماری داشته باشد. این عوامل ممکن است به صورت مستقیم یا غیر مستقیم بر فرد اثرگذار باشد.

از جمله این عوامل می‌توان به وسایل ارتباط جمعی و روزنامه‌ها اشاره نمود. ممکن است در مسایل جنایی هیجان‌انگیز، روزنامه‌ها که طالب اخبارند و کمتر به صحت خبر توجه می‌نمایند

بر فضای حاکم بر جامعه و وضعیت روانی شاهد تأثیر بگذارند و شاهد با خواندن یک شرح نادرست از رویدادی که خود شاهد آن بوده است این تمایل را در خودش ایجاد نماید که شهادت را با برداشت جدید که جنبه عمومی دارد منطبق سازد و اینگونه خود را هم‌رنگ و هم‌نظر با عموم نماید.

عوامل مؤثر دیگری که می‌تواند بر بازگویی شاهد اثرگذار باشد مسئله شایعات است. بنابراین اگر شاهد شخصی تلقین‌پذیر و دارای شخصیت انفعالی می‌باشد، در این مواقع باید از شاهد درخواست نمود تا به طور دقیق هر آنچه را که دیده بیان کند و اگر شایعه‌ای در این باره شنیده است منبع آن را نیز بیان کند.

با عنایت به اینکه تفاوت‌های فردی و شخصیتی در پیش‌بینی رفتار و گفتار شاهد مؤثر است و از مقنن انتظار می‌رود که نگاهی منطقی به تفاوت‌های فوق‌الذکر داشته باشد. البته باید اذعان داشت که مقنن به شاهد نگاه ساده‌نوعی دارد و ویژگی‌های شخصی شاهد ابداً در قانون در نظر گرفته نشده است.

#### ۴- تعلیق تعقیب و بایگانی کردن پرونده

تعقیب جرایم مهم‌ترین وظیفه دادسرا می‌باشد که از این تکلیف تحت عنوان اصل قانونی بودن تعقیب یاد می‌شود. اما در نظر گرفتن ملاحظات دیگری ممکن است دادسرا را به این نتیجه برساند که خودداری از ادامه تعقیب به صلاح جامعه است، با توجه به چنین برداشتی در نیمه دوم قرن بیستم در کنار اصل الزامی بودن تعقیب، اصل موقعیت داشتن تعقیب، مورد توجه سیاست‌گذاران جنایی قرار گرفت.

اعمال اصل متناسب بودن تعقیب می‌تواند منجر به اصلاح بزه‌کاران شود. زیرا ترس از مجازات، بر حسب شخصیت افراد، عامل مؤثری در جلوگیری از ارتکاب مجدد جرم محسوب می‌شود. گاهی شرایط حاکم بر ارتکاب جرم به نحوی است که نشان می‌دهد مرتکب برای نخستین مرتبه تحت تأثیر عوامل جرم و دست به ارتکاب جرم زده، زیان دیده از جرم شکایتی نداشته یا گذشت نموده و نتایج جرم بر نظم عمومی نیز اندک است. در چنین شرایطی، آثار نامطلوب تعقیب متهم (مانند آلوده شدنش به محیط جرم‌زای زندان و ایجاد حس انتقام‌جویی از جامعه) ممکن است بیش از فوایدش باشد. موقعیت داشتن تعقیب بدین معناست که مرجع تعقیب مجاز باشد در مواقعی که اقامه دعوا علیه متهم را با توجه به شخصیتش مفید نداند،

تحت شرایطی از تعقیب صرف نظر کرده و از ارسال پرونده به دادگاه خودداری نماید. (خالقی، ۱۳۹۴، ۴۹)

ماده ۸۰ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر می‌دارد: «در جرایم تعزیری درجه هفت و هشت، چنانچه شاکی وجود نداشته یا گذشت کرده باشد، در صورت فقدان سابقه محکومیت مؤثر کیفری، مقام قضایی می‌تواند پس از تفهیم اتهام با ملاحظه وضعیت اجتماعی و سوابق متهم و اوضاع و احوالی که موجب وقوع جرم شده است و در صورت ضرورت با اخذ التزام کتبی از متهم برای رعایت مقررات قانونی، فقط یک بار از تعقیب متهم خودداری نماید و قرار بایگانی پرونده را صادر نماید». نهاد تعلیق تعقیب نهادی است که در اختیار مقام تعقیب بوده، و معیار اصلی، جهت استفاده کارآمد از آن در جهت دادرسی عادلانه، در نظر گرفتن شخصیت متهم می‌باشد که وصول به آن از طریق تشکیل پرونده شخصیت در دادسرا ممکن خواهد بود تا دادستان با در نظر گرفتن آن و به لحاظ شخصیت متهم تصمیم مناسب مبنی بر اعمال تعلیق تعقیب یا عدم استفاده از آن اتخاذ نماید.

#### ۵- رویکرد شخصیت شناسی مجرم سیاسی

با توجه به قانون جرم سیاسی در حقوق ایران به نظر نگارنده، جرم سیاسی یک وصف بوده و یک عنوان مجرمانه مستقل بالذات نمی‌باشد. در واقع جرم سیاسی یک جرم اصیل نیست، بلکه همان جرایم عادی بوده که انگیزه سیاسی در پس این جرایم می‌باشد و از این رو جرم سیاسی ماهیت مستقل بالذات از سایر جرایم ندارد. بنابراین جرم مستقل بالذاتی به عنوان جرم سیاسی نداریم بلکه سیاسی بودن یک جرم، وصف عارضی است که به خاطر قانون دیگر بر یکسری از جرایم عادی وضع می‌شود؛ اینکه به بعضی جرایم، وصف سیاسی داده می‌شود، اولاً به خاطر خصیصه ای است که در این جرایم وجود داشته و می‌تواند علیه حکومت و نهادهای سیاسی ارتکاب یابد، ثانیاً وجود انگیزه خیر خواهانه مجرم سیاسی می‌باشد.

به لحاظ مبانی جرم سیاسی، پذیرش این نظر موجب می‌گردد که چون جرم سیاسی یک وصف است و وجود بالاستقلال ندارد، نمی‌تواند قائل به توصیف مبنای قانونگذاری مستقلی برای جرم انگاری جرم سیاسی شد و مانند سایر جرایم هم قانونگذار اقدام به جرم انگاری آن

نموده است. دلایلی که در مباحث قبل به عنوان مبانی تفکیک جرم سیاسی از جرم عادی بیان شد، این مبانی، تنها توجیه کننده مبانی ارفاق به مجرم سیاسی می باشند نه مبانی توجیه کیفرگذاری جرم سیاسی.

چرا که مابه ازای ارتکاب هر یک از جرایم عادی مقرر در قانون، مجازات مقرر در آن قانون است؛ ارتکاب جرایم سیاسی تاثیری هم در مجازات جرم ارتكابی نخواهد داشت و مجرم سیاسی با ارتکاب جرم سیاسی همانند سایر افراد مجازات خواهد گردید. انتساب وصف سیاسی به جرایم عادی به عنوان جرم سیاسی تنها موجب ایجاد آیین داری متفاوت برای دو نوع جرایم (سیاسی و عادی) خواهد گردید والا در خصوص مجازات، تفاوتی بین جرایم سیاسی و عادی وجود ندارد؛ چرا که برای مثال اهانت، به هر شخصی جرم است. اما آنچه سبب این تفکیک گشته، انگیزه خیرخواهانه مجرم سیاسی بوده که لزوم ارفاقات خاصی را برای وی ایجاد می نماید در غیر این صورت، قانونگذار قائل به جرم انگاری جرم سیاسی نمی شد و از آن جرم زدایی می نمود. در واقع مبانی اصلی تفکیک جرم سیاسی از جرم عادی ایجاد آیین دادرسی ارفاقی برای مجرمان سیاسی بوده است.

ممکن است این ایراد مطرح گردد که پذیرش این نظریه از یک طرف شامل جرم های مرکب یعنی جرایم عمومی ولی با انگیزه و هدف سیاسی مانند سوء قصد به جان رئیس دولت برای سرنگونی دولت می شود و از طرف دیگر شامل جرم مرتبط یعنی جرایم عمومی ولی به لحاظ تدارک و زمینه چینی برای ارتکاب جرم سیاسی یا تضمین منافع آن و یا به منظور آسان کردن ارتکاب جرم سیاسی واقع می شود مانند غارت و چپاول اموال عمومی (جنت مکان، ۱۳۹۱، ۳۳۹). ولی باید این مطلب را در نظر گرفت که در جرم سیاسی، نظام سیاسی مورد هدف قرار می گیرد که این اقدام عاری از هرگونه خشونت بوده، و ارتکاب اعمالی مانند غارت و تخریب اموال عمومی با هدف پیش گفته در تعارض بوده و جرم سیاسی نمی باشد.

همچنان که یکی از حقوقدانان در گزارشی که از وضعیت بازنمایی شده از جرم و مجرم سیاسی در فضای مدرن ارائه می دهد، «اگرچه جرایم سیاسی موجب تهدید تشکیلات کشور است ولی آرامش افراد را بر هم نمی زند، مجرمین سیاسی مسیر تاریخ را تسریع می کنند و عمل شان برخلاف عمل مجرمان عمومی برای اجتماع سیر قهقرایی ندارد» (اشورت، ۲۰۰۵، ۸۳). این درحالیست که در عین حال بازنمایی های منفی انجام یافته نسبت به تهدیدات علیه

نظم سیاسی، این نوع تهدیدات را در پیوندی نزدیک با حیات جامعه نمایش داده و موجب می گردد تا در قضاوت افکار عمومی به عنوان ناقض بالاترین ارزش ها شناخته شوند.

توضیح اینکه حقوق کیفری که محل تبلور ارزش های مهم جامعه است، می بایست تحت تأثیر تغییرات رخ داده در سطوح پایین و بالا، ارفاق جدیدی را برای مجرم سیاسی تعریف نماید و در عین متأثر گردیدن از تغییرات رخ داده در سطح پایین و اُفت شدت عینی جرم سیاسی، استراتژی مشابه و تعمیم یافته ای را از تغییرات رخ داده در سطح بالا، اتخاذ کند. جنس این استراتژی یقیناً یک استراتژی ارفاقی نسبت به ناقضین نظم اجتماعی در مقام تغییر نظم سیاسی مستقر، است. نگارنده، ارفاقی بودن این استراتژی را نه بلحاظ تغییرات صورت گرفته در یکی از سطوح ادعا می کند، بلکه تغییرات رخ داده در هر دو سطح بطور جداگانه، اقتضای استراتژی ای با ماهیت ارفاقی را دارد.

می توان به این نتیجه دست یافت که هر انگیزه ای فارغ از برخورد ارزشی که با آن صورت می گیرد، از محتوایی برخوردار بوده و در تحقق جرم سیاسی صرفاً حضور این محتوی با صبغه ی سیاسی شرط می باشد و این محتوی قابلیت ارزش گذاری ارفاقی را نیز دارد؛ از این رو با توجه به قابل تمجید بودن و درونی بودن این حالات نفسانی مجرم سیاسی در بین عموم جامعه از یک طرف و عدم استعداد جنایی وی از طرف دیگر، مرتکب جرم سیاسی می تواند، از ارفاقات جدیدی برخوردار گردد که در فصل بعدی با توجه به نوع واکنش های مدرن، این ارفاقات توضیح داده می شود.

#### ۵-۱- تفاوت صدمه ناشی از جرم سیاسی و جرم عادی

مطابق یک دیدگاه، جرم سیاسی همانند سایر جرایم است و تفاوتی بین جرم سیاسی و جرم عادی وجود ندارد؛ هر دو تخلف از قانون هستند و قانون در مورد آن ها باید اجرا شود. اگر تفاوتی هم باید وجود داشته باشد، وضع قانون خاص درباره جرم سیاسی به ضرر مجرم سیاسی خواهد بود، نه به نفع او؛ زیرا تاثیر عمل مجرمان عادی محدود به همان افراد یا مکان است، ولی تاثیر عمل مجرم سیاسی محدود به این حدود نیست. عمل مجرم سیاسی تمام جامعه را تحت تاثیر قرار می دهد و در نتیجه، جرم او باید سنگین تر و مجازات مترتب بر آن

شدیدتر باشد. بنابراین در جرایم سیاسی، نباید به اصل قانونی بودن جرم و مجازات توجه شود؛ زیرا از یک سو، خصیصه سیاسی بودن این جرایم مانع پیش بینی آن‌ها از سوی مقنن می‌شود و از سوی دیگر، چون ارتکاب جرایم سیاسی خطر بزرگی برای استحکام جامعه و نظام به شمار می‌آید، شایسته است در پرده ابهام باقی بماند (افراسیابی، ۱۳۷۶، ۱۸۳).

اما بایستی گفت که در جرایم عادی ضرر و صدمه متوجه تعداد محدود و مشخصی از افراد جامعه است. ولی جرایم سیاسی نظام سیاسی و اجتماعی مورد هدف قرار می‌گیرد. برای تشخیص جرم سیاسی باید از روی آثار ملموس و محسوس و ضرر و زیان ناشی از ارتکاب جرم، هدف مرتکب جرم، مورد ارزیابی قرار گیرد. بدین معنی هر گاه در رسیدگی قضائی معلوم شود که هدف مرتکب جرم، صدمه زدن به حیات و تشکیلات و فعالیت‌های حکومت است، جرم او سیاسی تلقی می‌شود (میرمحمد صادقی، ۱۳۸۶، ۶۵).

از طرف دیگر در یک حکومت لیبرال که خود را محفوظ از تهدیدات می‌داند، جرایم سیاسی و مجرمین سیاسی بیشتر از مجرمین عادی مورد لحاظ قرار می‌گیرند. این توجه نه به دلیل اهداف و انگیزه‌های غیر خودخواهانه مجرمین سیاسی است، بلکه ناشی از وجود سیاست‌مداران و تحمل عقیده و دیدگاه مخالف است که در جوهره نظام دموکراتیک وجود دارد. مجرم عادی جرم را می‌آفریند، اما مجرم سیاسی واکنشی عمل می‌کند؛ او با فدا کردن امروز خود به فردای مردم می‌اندیشد و مجرم عادی فردای دیگران را قربان امروز خود می‌کند (باقی، ۱۳۸۱، ۶۹).

۵-۲- اصل قرارداد اجتماعی

اگر بخواهیم به لحاظ تاریخی مبانی برای این نظریه پیدا کنیم می‌توان به اصل قرارداد اجتماعی توجه نمود. پس از انقلاب کبیر فرانسه، جرایم علیه دولت به دو روش مختلف درک می‌شد: الف) جرایم علیه دولت، ماهیت و حقوق آن (جرایم علیه امنیت خارجی) ب) جرایم علیه نهادهای دولت، حکومت یا نهادهای سیاسی آن (جرایم علیه امنیت داخلی دولت) در مورد اول، ماهیت یک دولت در معرض خطر قرار داشت در حالی که در مورد دوم، ماهیت دولت مورد خطر نبود و از این رو به تفکیک بین پادشاهی مطلقه و دولت و بین نظام سیاسی و کشور پرداخته شد (اشورث، ۲۰۰۵، ۶۴).

عواملی موجب دادن این اختیارات ارفاق آمیز به مجرمان سیاسی گردید و دیدگاه‌های عمومی نسبت به مجرمین سیاسی تغییر یافت که دلایل ذیل را می‌توان بیان نمود:



روانشناسی جنایی و مولفه های جرم سیاسی در ایران (مطالعه تطبیقی عصر پهلوی اول و جمهوری اسلامی) / ظهراپی اصل - خانی - قرونه

اول گسترش روزافزون افکار آزادی خواهانه بود (محسنی، ۱۳۷۵، ۳۰۶). تحول افکار نسبت به قیام کنندگان علیه حکومت ها نتیجه تالیفات فلاسفه و علمای قرن هجدهم همچون منتسکیو، ولتر، ژان ژاک روسو بود. دوم وضع ناپایدار کشورهای دوران انقلاب فرانسه به ویژه خود کشور فرانسه بود. انقلاب های پی در پی در آن کشور به نحوی بود که مجرم سیاسی و خطرناک امروز به صورت قهرمان ملی فردا ظهور کند، لذا برخورد با مجرم سیاسی رو به بهبود نهاد (پیوندی، ۱۳۸۵، ص ۱۱۱). عامل سوم همان هدف و انگیزه مجرمین سیاسی بود. هدف آنها رسیدن به آرمان های عالی، وفاداری به اصول انسانی، اعتقاد به وفاداری و در نهایت عصیان ناشی از شرافت و تقوی بود (محسنی، ۱۳۷۵، ۳۰۶). از این رو نسبت به آنها رحم و احترام در بین عموم مردم به وجود آمد.

می توان گفت که در این دوران، موجودیت اخلاقی دولت کاملاً از عوامل آن تفکیک شده است. جرم علیه دولت به دو شیوه درک می شود. اولین آنها، جرم علیه دولت را به عنوان خیانت، حمله خارجی علیه دولت، موجودیت و قوانین آن تلقی می کند. دومین آنها، جرم علیه دولت را به عنوان حمله داخلی علیه دولت، حکومت و نهادهای سیاسی آن محسوب می کند. این تمییز، اساسی است؛ جرم در ابتدا وجود ذاتی یک دولت را در معرض خطر قرار می دهد در حالی که سپس جنبه فردی پیدا می کند. مبارزه با آن ها نیز بر این اساس متفاوت بوده و در نوع اول جرم، مبارزه شدیدتر خواهد بود.

در اروپا با پیدایش اصطلاح جرم سیاسی، نظریه قرارداد اجتماعی مبنایی برای تفکیک جرم انگاری جرم سیاسی از جرایم عادی مطرح گردید. یعنی در صورتی که حاکم جامعه فراتر از محدودیت های تعیین شده از سوی قرارداد اجتماعی به پیش می رفت، اعضای جامعه حق مخالفت و قیام داشتند (اینگراهام و توکوروا، ۲۰۰۳، ۱۶۵). جان کوک<sup>۲</sup> اصل قرارداد اجتماعی را این گونه تعریف می کند که: «آنچه سیاست جامعه را متبلور می سازد، توافق چندین تن از انسان های آزاده است که از سوی بزرگ ترین گروه از مردم

---

<sup>1</sup> - Ingraham & Tocoro

<sup>2</sup> - John Coke

نمایندگی می شوند. این امر موجب تبلور مشروعیت دولت می شود. پس از آن، آزادی، خیر بنیادین انسان محسوب می شود و دولت می بایستی در قبال آن مسئول باشد. نقش دولت از این زمان به بعد محدود می باشد و می بایست از آزادی شهروندان خود محافظت نماید» (اینگراهام و توکورو، ۲۰۰۳، ۱۶۵).

از نظر روسو هیچ کس بر هم‌نوع خود حاکمیتی ندارد. بنابراین، حاکمیت وقتی مشروع است که بر پایه رضایت کسانی که از آن اطاعت می کنند، استوار باشد. روسو تمام مواد قرارداد اجتماعی را به شکل یک اصل بدین گونه صورت بندی کرده است که هر فرد، شخص خود و تمام حقوق خود را به مشارکت تحت اراده عالیه عمومی قرار می دهد؛ هر عضوی چون بخش جدایی ناپذیر کل در هیأت اجتماعی پذیرفته می شود (روسو، ۱۳۸۵، ۴۱۵).

از نظر روسو قدرت حاکم تا زمانی اعتبار دارد که مردم از وی راضی باشند، یعنی مشروعیت حاکمیت منوط به رضایت حکومت شوندگان است و لذا باید پیوسته به وسیله آن ها تجدید شود. بنابراین فلسفه قرارداد اجتماعی روسو، حاکمیت واقعی را از آن مردم می داند. در واقع، حکومت بر پایه قرارداد اجتماعی، تبلور اراده ملی و برآمده از خواست مردم است و حکومت کنندگان فقط تا هنگامی که مردم بخواهند، می توانند در قدرت باقی بمانند (محمودی، ۱۳۸۴، ۲۶۹).

#### ۵-۳- اهداف خیرخواهانه مجرم سیاسی

انگیزه های متعالی و شرافتمندانه عدالت جویان و مبارزان راه آزادی در جهت نابودی ظلم و جور نظام سیاسی حاکم بر جامعه و برخوردهای سخت و خشونت بار از سوی ظالمان سلطه گر که اعمال، به تعبیر حاکمان، جرایم آنان را با منافع خود همسو نمی دیدند و حتی خطری برای خود می دانستند، اهمیت اقدامات آنان را دو چندان نمود و آن را از سایر اعمال و جرایم متمایز ساخت که در واقع این انگیزه خیرخواهانه، فلسفه اصلی تفکیک جرم سیاسی از جرم عمومی به شمار می رود.

درواقع اهمیت و ویژگی جرم سیاسی را باید در انگیزه های انسان دوستانه و متعالی مجرمین سیاسی در ارتکاب اعمال خود دانست که خواهان تغییر شرایط و بهبود اوضاع اجتماعی و احیای حقوق اساسی و آزادی های مشروع فردی و اجرای عدالت هستند. این موضوع ایجاب می نماید که حق برخورداری متمایز از سایر مجرمین را دارا باشند.

انگیزه خیرخواهانه معمولاً در مجرمان سیاسی از قبل وجود دارد و شخصی و خصوصی نبودن اهداف و مقاصد که مجرم سیاسی از ارتکاب جرم مدنظر دارد، را مجرم عادی ندارد. از این رو جرم سیاسی ارج و قربی خاص یافت و مجرم سیاسی شخصی با انگیزه های شرافتمندانه و انسانی شناخته شد که دیگر امکان مقایسه بین او و مجرمان عادی وجود نداشت و نمی شد او را در ردیف مجرمان عادی مورد محاکمه و مجازات قرار داد.

طبیعی است که مخالفین رژیم سیاسی یک جامعه که با انگیزه خیرخواهانه به مخالفت با قدرت سیاسی و حاکمیت هیأت حاکمه می پردازند و مشروعیت آنرا نمی پذیرند، از نظر عموم مردم بایستی با نگاه تشویق و ارفاق به آنها نگریده شود. از این رو، به نظر حقوقدانان، در مورد مجرمان سیاسی باید مجازات های خفیف تر و رفتارهای انسانی تری را به کار برد و در صورت امکان درباره آنان نظام ارفاقی خاص که از حقوق آنها حمایت کند را اعمال کرد (صانعی، ۱۳۷۲، ۳۹۵).

۶- قانون اساسی مشروطیت و متمم آن در ارتباط با مجرمان سیاسی در عصر پهلوی اول اساساً شناسایی جرم سیاسی به معنای رفتارهایی است که در مخالفت و علیه ساختار سیاسی موجود با مضر به منافع آن ارتکاب می یابد. قانون اساسی مشروطه به عنوان اولین متن مدون در راستای برقراری دموکراسی و قانونگذاری و در واقع مبدأ پایه ریزی نظام نوین سیاسی حقوقی ایران نیز در ماده هفتاد و نهم متمم خود به این جرایم اشاره ای کرده است. طبق این ماده در موارد تقصیرات سیاسی و مطبوعات هیات منصفین در محاکم حاضر خواهند بود. البته از همان زمان تاکنون بلا تکلیفی تعریف و مصادیق جرایم سیاسی در نظام حقوقی ایران به چشم می خورد. بر همین اساس از فرازهای برجسته دفاع مصدق در دادگاهی که علیه او تشکیل شد، فقدان «هیات منصفه» در محاکمه بود که مورد اعتراض وی قرار گرفت. مصدق چنین دفاعیه ای را بیان کرد که «خیانت و اقدام برای بهم زدن اساس حکومت» اتهام سیاسی است و طبق متمم قانون اساسی رسیدگی به آن باید در حضور هیات منصفه صورت گیرد. این در حالی بود که دادستان دادگاه نظامی معتقد بود که برای جرم و تقصیرات سیاسی در قوانین ایران تعریفی ارائه نشده است. در پاسخ مصدق چنین ادعا کرد که «جرم سیاسی آقا در هیچ

کجا و هیچ قانونی تعریف نشده است ولی در کنفرانس حقوقی که در کپنهاک، پایتخت دانمارک در سال ۱۹۳۵ تشکیل شد، جرم سیاسی را این طور تعریف کرد: جرایمی که برضد رژیم و تشکیلات سیاسی مملکت صورت گیرد.» بدین سان هم‌راستا با قوانین عادی که تعریف و معرفی مصادیق جرم سیاسی را مغفول گذاشتند، نظام قضایی ایران از زمان مشروطه از پذیرش عنوان جرم سیاسی استنکاف کرد. اما همچنان برخی جرایم مهم و تاثیرگذار و نیز محکامات ویژه‌ای که در تاریخ حقوق ایران اتفاق افتادند را می‌توان جرم سیاسی دانست که در ادامه به اجمال و بر چند مورد از مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود. ناگفته نماند که در دوران پهلوی دادگاه‌های نظامی عملاً با بسط صلاحیت مسوول رسیدگی به جرایمی شدند که صبغه سیاسی دارند، هر چند فرد مرتکب نظامی نباشد. مانند آنچه در محاکمه مصدق اتفاق افتاد:

۱- محاکمه موسوم به محاکمه ۵۳ نفر: در سال ۱۳۱۶ خورشیدی و در دوران رضاشاه ۵۳ نفر بازداشت و به اتهام داشتن مرام اشتراکی از ۱۱ آبان تا ۲۲ آبان سال ۱۳۱۷ محاکمه شدند. در سیاسی بودن این جرایم همین بس که همین افراد بعدها پایه‌گذار یکی از مهم‌ترین احزاب سیاسی ایران شدند.

۲- محاکمه مصدق بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ که این مساله برای اولین بار در آنجا مورد بحث و گفت‌وگو واقع شد و مصدق طی اظهارات خود بر سیاسی بودن جرم خود و لزوم حضور هیات‌منصفه تاکید داشت.

۳- همچنین محاکماتی که علیه سران احزاب مختلف صورت گرفته را می‌توان با توجه به ابعاد محاکمه و طرح اتهام علیه تمام سران حزب به خوبی مشمول جرایم سیاسی دانست. مانند محاکمه سران حزب توده در دهه ۴۰ و نیز محاکمه سران نهضت آزادی ایران در سال ۱۳۴۲. پس از عقب نشینی مظفرالدین شاه در مقابل خواسته‌های مشروطه خواهان و عزل عین الدوله از طرف سران مشروطه به صدر اعظم تذکر داده شد که به انجام مقدمات تشکیل مجلس دارالشورا اقدام نماید.

... در روز ۲۷ جمادی الثانی ۱۳۲۴ ق اولین مجلس موسسان در طول تاریخ ایران با خطاب به صدر اعظم وقت کار خود را آغاز کرد... از طرف مشروطه خواهان کمیته ای برای تدوین نظامنامه انتخاباتی مجلس تشکیل شد که اعضای چهار نفره آن به سرعت دست به ترجمه و اقتباس از نظامنامه های انتخاباتی ملل پیشرفته زدند و در روز سیزده رجب در جلسه مجلس این نظامنامه در واقع ترجمه شده را به استماع حضار رسانیدند.

سرانجام روز دوازدهم مهر هجدهم مهر مجلس گشایش یافت. گفتنی است که در تشکیل مجلس تهیه قانون اساسی نظر علمای زمان و کمک آنان در رفع شبهه ها بسیار سودمند بود در این میان مکتوبات و نظریات آیت الله نائینی بیش از دیگران تأثیر داشت.

برای تهیه طرح قانون اساسی کمیسیون خاصی تشکیل شد که اعضای آن با زبان های خارجی آشنایی داشتند و افکار و علوم مغرب زمین تأثیر زیادی بر اندیشه آنان بر جا گذاشته بود؛ این گروه شروع به تهیه قانون اساسی بلکه در واقع ترجمه آن از قوانین برخی از کشورهای اروپایی کردند و البته تا حدودی صبغه اسلامی نیز بدان دادند.

اما مجلس مقررات این پیش نویس را کافی ندانست در مجموعه مذاکرات مجلس دوره اول آمده است کتابچه قانون اساسی به مجلس ارسال گشت لیکن چون مواد آن مستبدانه بود مورد قبول واقع نشده و عودت داده شده و وکلاء خود به تدوین قانون اساسی پرداختند.

در جلسه یازدهم ذیقعه ۱۳۲۴ طرح پیشنهادی قانون اساسی در مجلس مطرح گردید پس از تدوین و تصویب نسخه ای از آن تهیه و برای امضای شاه فرستاده شد.

روز یکشنبه هشتم دیماه (۱۴ ذی القعدة) مظفرالدین شاه که بازپسین روزهای زندگی خود را بسر می برد به آن دستینه نهاد و سپس ولیعهد پیروی نمود و بدینسان برای توده ایران "قانون اساسی" داده شد مردم از این شادی ها نمودند.

و روز شانزدهم دیماه با حضور علماء و تماشاچیان در میان شادی و شکوه و با نطق سید محمد تقی هراتی این قانون به مجلس آورده شد این قانون از ۵۱ اصل با فصول زیر تشکیل می شد :

فصل اول - اصول ۱ تا ۱۴ در تشکیل مجلس

فصل دوم - اصول ۱۵ تا ۳۱ در وظایف مجلس و حدود و حقوق آن

فصل سوم - اصول ۳۲ تا ۳۸ در اظهار مطالب به مجلس شورای ملی

فصل چهارم اصول - ۳۹ تا ۴۲ در عنوان مطالب از طرف مجلس

فصل پنجم - اصول ۴۳ تا ۵۱ در شرایط تشکیل مجلس سنا

قانون اساسی ۱۴ ذیقعدہ ۱۳۲۴ که مشتمل بر ۵۱ اصل بوده صرفاً اختصاص به تشکیل مجلس و حقوق نمایندگان داشت و به خاطر فقدان سایر اصول مشروطیت کافی به نظر نمی رسید.

در قانون اساسی تصویبی مجلس هیچ نشانی از پاسخگویی به اولین و اصلی ترین خواسته انقلابیون زجر دیده یعنی ایجاد عدالتخانه و رعایت حقوق و آزادیهای افراد در امور دادرسی دیده نمی شد.

پس از نقد و بررسیهای فراوان که در مجلس به عمل آمد در جلسه ۲۸ ذیحجه ۱۳۲۴ مقرر شد هیأتی از نمایندگان کار تدوین متمم قانون اساسی را بر عهده گیرند این هیأت با استفاده از قوانین بلژیک، فرانسه و کشورهای بالکان ظرف مدت هفت ماه در محیطی پر از آشوب و کارشکنی (از ناحیه محمد شاه) و اختلاف (بین علمای طرفدار مشروطه و مشروعه) کار خود را انجام داد و برای بررسی و تصویب تقدیم مجلس کرد این قانون مشتمل بر ۱۰۷ اصل بود که پس از اصلاحات انجام شده به تصویب مجلس رسید و سپس آنرا مورد تأیید قرار داد.

فصل هفتم از این قانون اختصاص به اقتدارات داشت و اصل هفتاد و نهم از فصل هفتم حضور هیئت منصفه را در محاکمات سیاسی و مطبوعاتی تضمین می نمود:

اصل هفتاد و نهم در موارد تقصیرات سیاسی و مطبوعات هیئت منصفین در محاکم حاضر خواهند بود. (که ترجمه ماده ۱۸ قانون اساسی بلژیک بود) همین اصل سبب شد که در قوانین جزائی احکامی نسبت به مجرمین سیاسی ملحوظ گردد.

#### ۶-۱- قواعد عمومی جرم سیاسی در قوانین جزایی

اولین قانون مجازات مدون ایران بصورت یکپارچه در سال ۱۳۰۴ شمسی به تصویب رسید. قبل از آن قانون جزایی دیگری که با عنوان کتابچه قانونی کنت معروف است در سال ۱۲۹۶ توسط کنت دومونت فرت که ظاهراً ایتالیایی بود و به ریاست پلیس تهران منصوب گردید تهیه شد و در همان سال به توشیح ناصرالدین شاه رسید.

این کتابچه مشتمل بر مقدمه ای است بر شرح وظایف، پلیس که در واقع موادی از اصول محاکمات جزایی است در ۵۸ ماده بعدی نیز به مجازات های جرائمی از نوع جنایت جنحه و خلاف برای برخی اعمال اشاره می کند.

در قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ احکام جرم سیاسی در مواد متعدد ذیل پیش بینی شده

بود:

روانشناسی جنایی و مولفه های جرم سیاسی در ایران (مطالعه تطبیقی عصر پهلوی اول و جمهوری اسلامی) / ظهراپی اصل - خانی - قرونه

ماده ۲۶- احکام تکرار جرم درباره اشخاصی که به واسطه ارتکاب به جرم سیاسی محکوم شده اند جاری نخواهد شد.

ماده ۵۴- جنحه و جنایات سیاسی مطلقاً و همچنین جنحه و جنایات عادی که در اثنای انقلابات سیاسی واقع شود ممکن است مورد عفو عمومی قرار گیرد ولی در هر مورد قانون مخصوصی باید اجازه آن را بدهد.

ماده ۵۵- "در جرایم سیاسی پادشاه میتواند نظر به پیشنهاد وزیر عدلیه و تصویب رئیس الوزراء تمام یا قسمتی از مجازات اشخاصی را که به موجب حکم قطعی محکمه صالحه محکوم شده اند عفو نماید و نیز می تواند از..."

ماده ۵۹- اگر اشخاصی که برای ارتکاب جرم سیاسی محکوم به حبس تأدیبی می شوند در ظرف یک سال از تاریخ اتمام مجازات و اشخاصی که برای ارتکاب همان جرم محکوم به مجازات جنایی می شوند در ظرف ۵ سال از تاریخ اتمام مجازات مجدداً محکومیت جزایی نداشته باشند به اعاده حیثیت نائل شده و محکومیت آنها از سجل جزایی محو خواهد شد.

و نیز ماده ۱ قانون راجع به وادار نمودن محبوسین به کار مصوب ۱۳۱۴ حاکی بود :  
"اشخاصی که در نتیجه ارتکاب جرایم عادی (غیر سیاسی) محکوم به حبس شده یا بشوند ... که حکایت از عدم اجرای کار برای مجرمین سیاسی داشت .

علاوه بر آن در قوانین دیگری نیز احکامی در خصوص جرایم سیاسی به چشم میخورد از جمله قانون استرداد مجرمین مصوب ۱۳۳۹ بند ۲ از ماده ۸ در خصوص جرایم عدم استرداد سیاسی مقرر می داشت :

"هرگاه جرم ارتكابی از جرایم سیاسی بوده و یا از اوضاع و احوال قضیه معلوم شود که استرداد به منظورهای سیاسی به عمل آمده باشد در مورد اختلافات و جنگهای داخلی استرداد مورد قبول واقع نخواهد شد. مگر آنکه اعمالی که ارتکاب یافته وحشیانه و یا مخالف مقررات جنگ باشد که در این صورت استرداد پس از خاتمه جنگهای داخلی قابل قبول خواهد بود."

۲-۶- وضعیت هیئت منصفه در ایران در دوران سلطنت پهلوی

اصل ۷۹ قانون اساسی لزوم حضور هیئت منصفه را در رسیدگی به تقصیرات سیاسی مقرر نموده بود با این حال تا بعد از کودتای ۱۲۹۹ هنوز قانونی راجع به هیئت منصفه در ایران وجود نداشت و فقدان هیئت منصفه در رسیدگی های سیاسی و مطبوعاتی معمولاً مورد اعتراض قرار می گرفت.

مجموعاً در زمان سلطنت پهلوی، پنج قانون در خصوص هیئت منصفه به تصویب رسید که به شرح زیر است.

۱-۲-۶- قانون هیئت منصفه موقت ۱۳۰۱

در ۱۰ قوس ۱۳۰۱ ه ش اولین قانون موقت هیئت منصفه در ایران به تصویب رسید که برای یک سال اعتبار داشت ولی اعتبار آن تا تصویب قانون هیئت منصفه دائمی تمدید شد. نحوه عملکرد هیئت منصفه در این قانون بصورت سیستم قضاوت رقابت آمیز بود (سیستمی که هم اکنون در فرانسه حکمفرما است) یعنی مشارکت قضات و هیأت منصفه توأماً در رأی که در صورت تساوی آراء رأی به نفع متهم به منزله اکثریت بود. در این قانون اعضای هیئت از میان کسانی که کاندیدای مجلس شورای ملی بوده و رأی نیاورده بودند به قید قرعه انتخاب می شدند و تعداد آنها ۵ نفر اصلی و ۳ نفر عضو علی البدل بود.

با اینحال ماده ۴ این قانون صراحتاً متهمین به تقصیرات سیاسی را از شمول این قانون خارج کرده بود.

۲-۲-۶- قانون محاکمه وزراء ۱۳۰۷

این قانون در مواد ۹ و ۱۰ خود به طرز تعیین و خصوصیات هیئت منصفه پرداخته بود در این قانون تعداد اعضاء برابر عده اعضاء محکمه بودند و به تعداد نصف اعضاء محکمه عضو علی البدل بودند و شرایط اعضاء همان شرایط نمایندگان مجلس شورای ملی بود. به موجب قانون مزبور مرجع رسیدگی عبارت از محکمه منصفه بود که به تقصیرات سیاسی وزراء و همچنین کلیه تقصیرات سیاسی و مطبوعاتی رسیدگی می کرد. "محکمه منصفه" عبارت بود از مجلسی مرکب از قضات محکمه صالح برای رسیدگی به اتهام بعلاوه هیئت منصفه که از حیث تعداد مساوی با اعضاء آن محکمه بود.



اعضای هیئت منصفه باید به قید قرعه از بین کسانی انتخاب می شدند که بعد از منتخبین حوزه هر محکمه در آخرین دوره تقنینیه مجلس شورای ملی دارای اکثریت نسبی بودند. ماده دهم مقرر می داشت که محکمه انصاف (یعنی جمع قضات محکمه صالح و اعضای هیئت منصفه) پس از اعلان ختم محاکمه بلافاصله مشاوره نموده رأی خود را بر تبرئه و یا مجرمیت متهم بدهد ولی صدور حکم فقط باید با قضات محکمه باشد در صورت تساوی آرا رأیی که له متهم است رأی اکثریت محسوب می شود. قانون مذکور نیز سیستم قضاوت رقابت آمیز را پذیرفته بود و قاعده مذکور با پیش بینی تساوی عده قضات با اعضای هیئت منصفه. و مرجح دا ج داشتن رأی له متهم در موارد تساوی آرای له و علیه او تضمین می شد. نکته قابل توجه دیگر اینکه اعضاء هیئت منصفه از بین منتخبین مستقیم مردم تعیین می

شدند که این خود وسیله ای برای تضمین عدالت بود

۶-۲-۳- قانون هیئت منصفه مصوب ۲۹ اردیبهشت ۱۳۱۰

این قانون رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی را در صلاحیت دیوان جنائی قرار داد و نحوه حضور هیئت منصفه و رابطه آن را با قاضی متغیر ساخت؛ بدین صورت که اعضای هیئت منصفه که مشتمل بر ۵ نفر عضو اصلی بودند پس از اعلام رأی محکمه در صورتی که دایر به مجازات متهم باشد بلافاصله به اتاق مشاوره رفته و عقیده خود را اگر مبنی بر عدم تقصیر یا بر وجود موجبات تخفیف باشد با ذکر دلایل کتباً اظهار خواهد نمود.

بموجب ماده نهم اظهار عقیده هیئت منصفه بر بی تقصیری متهم موجب اعاده محاکمه بود مگر اینکه آخرین هیئت منصفه که اظهار عقیده کرده متهم را بی تقصیر ندانسته باشد و بالاخره ماده ۱۰ پیش بینی می کرد هر گاه هیئت منصفه موجباتی برای تخفیف مجازات ذکر کرده باشد وزیر عدلیه در صورت قطعیت حکم محکومیت مطابق قانون استدعای تخفیف خواهد داشت مگر اینکه آخرین هیئت منصفه که اظهار عقیده کرده قائل به وجود موجبات تخفیف نشده باشد.

قانون مذکور قاعده مربوط به نحوه انتخاب اعضای هیئت منصفین که در قانون ۱۳۰۷ پیش بینی شده بود ملغی ساخت و به جای انتخاب از طرف مردم آن را به عهده عده ای متشکل از

رئیس استیناف، رئیس محکمه بدایت، رئیس انجمن بلدی و رئیس اطاق تجارت گذاشت که این امر با فلسفه وجودی هیئت منصفه سازگار نبود. لازم به ذکر است که این قانون قواعد مربوط به رسیدگی به جرایم سیاسی وزراء را به قوت خود باقی گذاشت.

۶-۲-۴- لایحه قانونی مطبوعات ۱۳۳۱

لایحه مذکور در صلاحیت دادگاه رسیدگی کننده - دادگاه جنایی - تغییری ایجاد نکرد لیکن اعضا هیئت منصفه را به ۷ نفر و دادرسیین به ۵ نفر افزایش داد. ماده ۳۷ لایحه مذکور درباره چگونگی دخالت هیئت منصفه چنین مقرر می داشت: پس از اعلام ختم دادرسی بلافاصله دادرسان دادگاه با اعضاء هیئت منصفه متفقاً به شور پرداخته و درباره در سوال ذیل :

الف : آیا متهم گناهکار است؟

ب : در صورت تقصیر آیا مستحق تخفیف میباشد یا خیر؟

رأی می دهد. در صورت تساوی، آراء رأی رئیس دادگاه با هر که باشد قاطع است (بر خلاف قاعده

قانون ۱۳۰۷ که رأی به نفع متهم را قاطع می دانست).

این لایحه بموجب قانون الغاء کلیه لوایح مصوب آقای دکتر مصدق در سال ۱۳۳۲ ملغی الاثر اعلام گردید.

۶-۲-۵- لایحه قانونی مطبوعات ۱۳۳۴

این لایحه آخرین قانون معتبر و لازم الاجراء تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران بود که در مواد ۳۰ تا ۳۷ خود به شرح دادرسی مطبوعات و نحوه انتخاب هیئت منصفه و شرکت در رأی آن پرداخته بود ماده ۳۳ مدت عضویت را دو سال تعیین و انتخاب را به عهده هیئتی مرکب از فرماندار و رئیس دادگستری و رئیس انجمن شهر (در صورتیکه انجمن شهر وجود نداشته باشد شهردار) و نماینده فرهنگ که به دعوت فرماندار تشکیل می شد نهاد بود. تعداد دادرسان دادگاه جنایی معادل اعضاء اصلی هیئت منصفه یعنی ۳ نفر بود و در رأی متفقاً به شور می پرداختند و رأی تنها توسط رئیس دادگاه صادر می شد.

نحوه شرکت هیئت منصفه بر همان سیستم قضاوت رقابت آمیز مبتنی بود پس از اعلام ختم دادرسی اعضاء هیئت منصفه بلافاصله با دادرسان دادگاه متفقاً به شور می پرداخته و

روانشناسی جنایی و مولفه های جرم سیاسی در ایران (مطالعه تطبیقی عصر پهلوی اول و جمهوری اسلامی) / ظهراپی اصل - خانی - قرونه

درباره دو مطلب زیر که آیا متهم گناهکار است؟ و در صورت تقصیر آیا مستحق تخفیف میباشد یا خیر؟ نظر میدادند در صورت تساری آرا رأی رئیس دادگاه با هر طرف که بود قاطع محسوب می شد.

ماده ۳۶ مقرر داشته بود "که هرگاه جلسه رسیدگی خواه در ابتدا یا در اثناء دادرسی بواسطه عدم حضور یک یا چند نفر از اعضای هیئت منصفه تشکیل شود رئیس دادگاه جنایی در جلسه علنی از بین قضات حاضر شعب دادگاه استان در تهران و از بین کلیه قضات حاضر در مراکز استان در خارج از تهران عده هیئت منصفه را به حکم قرعه تعیین و تکمیل نموده با شرکت آنان به موضوع رسیدگی خواهد کرد..."

یعنی دادگاه جنایی در صورت عدم تشکیل دادگاه به بواسطه غیبت یکی از اعضاء هیئت منصفه دادگاه موظف به تکمیل آن از میان قضات بود.

پس از اعلام نظر هیئت منصفه، رئیس دادگاه فوراً بر طبق این رأی موجهاً و با ذکر دلایل به انشاء حکم مبادرت می ورزید چنانکه حکم بر محکومیت متهم صادر میگردد ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ قابل فرجامخواهی بود ولی اگر مبنی بر برائت بود قابل رسیدگی فرجامی نبود.

از بررسی لایحه قانونی مطبوعات ۱۳۳۴ و مقایسه آن با لایحه ۱۳۳۱ تغییر چشم گیری ملاحظه نمی شود همچنین از حیث چگونگی دخالت هیئت منصفه در محاکمات و قضاوت مانند لایحه ۱۳۳۱ است تنها اعضاء هیئت منصفه را در محاکمات سیاسی و مطبوعاتی به سه نفر تقلیل داده است و نیز انتخاب قضات به جای اعضاء هیئت منصفه که در صورت غیبت اعضاء هیئت که در ماده ۳۶ پیش بینی شده بود که البته شیوه صحیحی نبود.

آنچه گفته شد بررسی وضعیت هیئت منصفه در حقوق ایران در زمان حاکمیت قانون اساسی مشروطه بود.

لازم به ذکر است که با توجه به تصریح قانون اساسی در اصل ۷۹ خود مبنی بر لزوم دخالت هیئت منصفه در محاکمات سیاسی و پیش بینی مقررات هیئت منصفه و در قوانین عادی، اگر مقنن به هر وسیله ولو با تغییر عنوان و یا تغییر صلاحیت دادگاه حضور هیئت منصفه را غیر ممکن سازد، مسلماً بر خلاف قانون اساسی رفتار نموده و قانون مزبور را نقض نموده است و

چون عقیده بر این است که محاکم دادگستری می توانند از اجرای قوانین خلاف قانون اساسی خودداری نمایند لذا در این قبیل جرائم سیاسی نیز محاکم مکلف به رعایت دستور قانون اساسی مبنی بر دعوت هیئت منصفه در محاکمات می باشد به همین علت برخی از حقوقدانان معتقدند که احکامی که در سالهای فوق الذکر از محاکم نظامی در مورد جرائم سیاسی و بدون حضور هیئت منصفه صادر شدهاند بر خلاف قانون اساسی بوده و بالنتیجه از نظر اصول قضائی فاقد اعتبارند.

علاوه بر این از آنجائیکه در اصل ۷۹ قید شده که هیئت منصفه در محاکم حاضر خواهند بود و محاکم اعم است از عمومی و اختصاصی، لذا در دادگاههای نظامی نیز که از محاکم اختصاصی محسوب می شوند حضور هیئت منصفه در دادگاههای مزبور الزامی است و باید از وجود آنها استفاده شود.

با توجه به دلایل فوق ملاحظه میشود که هیچ توجیه قانونی نسبت به عدم حضور هیئت منصفه در دوران حاکمیت قانون اساسی مشروطه وجود نداشته است.

#### نتیجه گیری

جرم سیاسی جرمی است که ریشه در بطن و متن جامعه دارد و اصول آن در تقابل با دولت و حکومت حاکم قرار می گیرد در برخی از موارد جرم سیاسی به صورت مثبت می باشد و برای تجلی مردم کشور خویش صورت می گیرد و قابل حمایت است در بعضی از موارد این جرم سیاسی بار منفی دارد و به صورت ترور و تخریب و مبارزه مسلحانه می باشد که این اعمال در زمره جرایم سیاسی نیستند بلکه عناوین مستقل خود را دارند. فلذا وجه خشونت آمیز بودن یا نبودن رفتار مرتکب ملاک مهمی در تشخیص جرم سیاسی خواهد بود، چراکه مجرم سیاسی اگر با طرز فکر سیاسی یعنی اصلاحات دست به اقدامات ارشادی بزند درواقع از دیدگاه حکومت مجرم است نه از دیدگاه مردم جامعه. شناسایی جرم سیاسی اقدامی همسو با شناسایی حق نقد شهروندان می باشد.

جرایم سیاسی از منظر روان شناسی جنایی فاقد عناصر ضروری جرایم عادی می باشد به عنوان مثال در جرایم سیاسی بحث مربوط به کینه توزی و خشونت دیده نمی شود علاوه بر آن موضوع و هدف این جرایم تغییر یک موقعیت سیاسی معین با ابزار غیرقانونی است فلذا آنچه که مورد تعرض است حقوق دولت می باشد درواقع نقض حقوق خصوصی در ارتباط با جرایم سیاسی رخ نمی دهد. علاوه بر آن مرتکب جرایم سیاسی انگیزه صلح طلبانه دارد درواقع

روانشناسی جنایی و مولفه های جرم سیاسی در ایران (مطالعه تطبیقی عصر پهلوی اول و جمهوری اسلامی) / ظهراپی اصل - خانی - قرونه

هدف وی رفع نگرانی های عمومی می باشد. به طور قطع نمی توان خطرناک بودن مجرم سیاسی را انکار کرد چرا که در نتیجه اقدامات این افراد نظم عمومی مختل و جرایم علیه اموال و اشخاص افزایش پیدا می کند.

قبول انگیزه اصلاح طلبی و خیرخواهی در غالب موارد کار دشواری است و چه بسا گروهی از روی جاه طلبی دست به یکسری اعمال با جنبه های سیاسی می زنند و خود را خواهان سعادت می نامند. مباحثی مانند تشکیل پرونده شخصیت مربوط به جرایم خاصی می باشد و نمی توان آن را در ارتباط با مجرمان سیاسی نیز قابل اجرا دانست چراکه مجرمان سیاسی و کم تر درگیر مسائل و بیماری های روانی و جرم شناختی قرار می گیرند آن ها در اغلب موارد علت اصلی و ارتکاب به جرایم سیاسی فارغ از مباحث روان شناختی میل به کمال طلبی و رسیدن به سعادت می باشد اما این مسئله نمی تواند مانع تشکیل پرونده شخصیت برای مجرمان سیاسی گردد به ویژه در فرضی که در کنار جرم سیاسی جرایم دیگری مانند تخریب و تعرض و... نیز واقع گردد. لازم است که قانون گذار با منظور کردن آزادی های کافی جهت فعالیت های سیاسی برای احزاب و افراد امکان وقوع جرایم سیاسی را به حداقل برساند علاوه بر آن نص صریح قانون اساسی و سایر جهات عقلی و قضایی ایجاب می کند که جرایم سیاسی از جرایم عادی تفکیک شود. لازم است که از جرم انگاری نسبت به اعمال و فعالیت هایی که در محدوده حقوق و آزادی های فردی است اجتناب شود. باید در ارتباط با مجازات، محل نگهداری، اعاده حیثیت، محرومیت از حقوق اجتماعی و سایر موارد نسبت به مجرمین سیاسی، اتفاقات معقول و درخور شخصیت آنان قائل شد. شایسته است که از مجازات های بدنی و اعدام اجتناب کرده و مجازات های هم طراز با جرایم عادی برای جرایم سیاسی در نظر گرفته شود. لازم است اگر تمهیداتی در خصوص حضور هیئت منصفه در محاکمات سیاسی اندیشیده می شود به نحوی باشد که هدف آن را تأمین کرده و با فلسفه هیئت منصفه سازگار باشد.

منابع و مآخذ

- ۱) آشوری، محمد، (۱۳۶۹)، عدالت کیفری از دیدگاه حمورابی، نشریه موسسه حقوق تطبیقی، شماره ۷.
- ۲) افراسیابی، محمداسماعیل، (۱۳۷۶)، حقوق جزای عمومی، تهران، فردوسی.
- ۳) اکبری رومنی، فرناز، (۱۳۸۹)، حقوق کیفری در گذر تاریخ، دوره جدید، مجله حقوقی کیفری.
- ۴) امینی خانه برقم، صابر و همکاران، (۱۴۰۱)، جایگاه پرونده شخصیت مجرم و نقش آن در کشف جرم، فصلنامه علمی کارآگاه، شماره ۵۸، صص ۱۴۷-۱۲۳.
- ۵) اوجاقلو، ابراهیم، شرایط شاهد به عنوان یکی از ادله اثبات حق در حقوق ایران، ماهنامه دادرسی، شماره ۷۶، ۱۳۸۸.
- ۶) ایرانپور، فلورا، (۱۳۹۷)، مطالعه تطبیقی پرونده شخصیت در نظام کیفری ایران و فرانسه، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- ۷) باقی، عمادالدین، (۱۳۸۱)، حقوق مخالفان: تمرین دموکراسی برای جامعه ایرانی، تهران، نشر سرایبی.
- ۸) بزرگمهر، امیرعباس، (۱۳۸۹)، تأثیر روان‌شناسی در شهادت به عنوان دلیل اثبات دعوی، رساله دکتری، دانشگاه تهران.
- ۹) بقایی نظری، فرید و همکار، (۱۴۰۰)، مباشرت و ظهور اصل فردی کردن مجازات‌ها در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، فصلنامه بین‌المللی قانون یار، شماره ۱۶، صص ۶۲۹-۶۱۱.
- ۱۰) بیابانی، غلامحسین، کاربرد روان‌شناسی در پلیس آگاهی، فصلنامه دانش انتظامی گلستان، حسینی نژاد، حسینقلی، (۱۳۷۲)، دفاع اجتماعی یا نظری کوتاه درباره حقوق کیفری، تحقیقات حقوقی، شماره ۱۱.
- ۱۱) جنت مکان، حسین، (۱۳۹۱)، حقوق کیفری عمومی، تهران، نشر جنگل.
- ۱۲) حیدری، لیلا، (۱۳۷۲)، حکم منصفانه در پرتو پرونده شخصیت متهم، روزنامه اعتماد ملی، ویرایش ششم.
- ۱۳) خاکساری، داوود و همکار، (۱۳۹۸)، عوامل مؤثر بر صدور مجازات‌های جایگزین حبس، مجله حقوق کیفری، شماره ۲۶، صص ۴۰-۹.
- ۱۴) دادفر، محبوبه، روان‌شناسی قانونی: ضرورتی در نظام عدالت کیفری ایران، مجله پیشرفته‌ای نوین در علوم رفتاری، دوره سوم، شماره بیست و ششم، ۱۳۹۷، صص ۸۲-۴۲

روانشناسی جنایی و مولفه های جرم سیاسی در ایران (مطالعه تطبیقی عصر پهلوی اول و جمهوری اسلامی) / ظهراپی اصل - خانی - قرونه

- ۱۵) داوریار، محمد علی، (۱۳۸۴)، توبه و سقوط مجازات‌ها، مطالعات اسلامی، شماره ۶۷، ص ۱۸.
- ۱۶) رستمی تبریزی، لمیاء، (۱۳۹۲)، نقش مرحله پسا کیفری در پیش گیری از تکرار جرم با تکیه بر بزه کاری زنان، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۶۱، صص ۴۷۰-۴۰۵. شماره ۴، ۱۳۹۶، صص ۴۵-۵۲.
- ۱۷) روسو، ژان ژاک، (۱۳۸۵)، قرارداد اجتماعی، ترجمه مرتضی کلانتریان، تهران، آگه.
- ۱۸) رئوفیان، حمید، کشاورزیان، فهیمه، (۱۳۹۶)، عوامل مؤثر بر روان شاهد در رسیدگی های قضایی، مجله آرا، شماره ۷، صص ۳۰-۴۷.
- ۱۹) زرد کوهی، مهناز، (۱۳۹۷)، بررسی تشکیل پرونده شخصیت در حقوق کیفری ایران، چهارمین کنگره بین المللی فرهنگ و اندیشه دینی، صص ۱۶-۱.
- ۲۰) ساریخانی، عادل و همکار، (۱۳۹۲)، بررسی فقهی و حقوقی ابراز شهادت توسط اطفال، پژوهش های فقه و حقوق اسلامی، سال نهم، شماره ۳۱، صص ۱۰۲-۸۳.
- ۲۱) شاملو، باقر، گوزلی، مهدی (۱۳۹۰)، پرونده شخصیت در حقوق کیفری ایران و فرانسه، آموزه های حقوق کیفری، شماره ۲.
- ۲۲) شاهرخی، حمید، مرادی، هادی، قاضی، (۱۳۸۴)، کیفری و لزوم تشکیل پرونده شخصیت، مجله اصلاح و تربیت، شماره ۵۲، ص ۵۲.
- ۲۳) صادقی تکیه، سید محمد علی، (۱۳۹۷)، اثر پرونده شخصیت متهم در فردی کردن مجازات، پایان نامه ارشد.
- ۲۴) صالحی، علیرضا و همکاران، مسؤولیت کیفری و اختلالات روانی بر مبنای DSM، فصلنامه حقوق پزشکی، شماره ۲۳، ۱۳۹۱، صص ۱۸۵-۱۵۷.
- ۲۵) صانعی، پرویز، (۱۳۷۲)، حقوق جزای عمومی، تهران، گنج دانش.
- ۲۶) صفایی، حسین، (۱۳۸۳)، ارزش اثباتی شهادت در حقوق خصوصی، پژوهش های حقوق عمومی، دوره ۶، شماره ۱۳، صص ۱۵۷-۱۳۳.
- ۲۷) ظاهری، حبیب الله، (۱۳۸۹)، نقش توبه در اسقاط حدود، مجله پژوهش های فقهی، شماره ۲، ص ۷.
- ۲۸) عباسی، شهاب، (۱۳۹۷)، بررسی جایگاه پرونده شخصیت در نظام کیفری اسلام و حقوق ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز.

- ۲۹) عجمی، احسان، (۱۳۹۴)، بررسی نقش احساسات و هیجانات در حقوق جزا، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- ۳۰) غلامی، میثم و همکار، (۱۳۹۴)، مجازات‌های جایگزین حبس و نقش آن در پیش‌گیری از تکرار جرم، فصلنامه مطالعات پیش‌گیری از جرم، شماره ۳۷، صص ۱۶۹-۱۳۲.
- ۳۱) محسنی، مرتضی، (۱۳۷۵)، دوره حقوق جزای عمومی، تهران، گنج دانش.
- ۳۲) محمدی، پوریا، (۱۳۹۶)، بررسی تأثیر عوامل ترانژنیک بر جنین انسان، مجله طب نظامی، دوره ۱۹، شماره ۵، صص ۴۳۱-۴۲۳.
- ۳۳) محمودی، علی، (۱۳۸۴)، فلسفه سیاسی کانت اندیشه سیاسی در گستره فلسفه نظری و فلسفه اخلاق، تهران، نگاه معاصر.
- ۳۴) محمدیان، سارا و همکار، (۱۳۹۲)، لزوم تشکیل پرونده شخصیت در فرآیند دادرسی کیفری ایران، مجله پزشکی قانونی، شماره ۳۰۲، صص ۳۲۹-۳۴۰.
- ۳۵) مدرسی فر، سید داود، (۱۳۹۷)، تأثیر متقابل روان‌شناسی جنایی، جزا و آیین دادرسی کیفری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
- ۳۶) مرادی شورابه، وحید و همکار، (۱۴۰۰)، اصل فردی کردن مجازات در پرتو تشکیل پرونده شخصیت در مرحله قبل و بعد از اجرای حکم، فصلنامه مطالعات حقوق، شماره ۱۶، صص ۴۴۱-۴۲۳.
- ۳۷) مظلومیان، علی، (۱۳۵۲)، داوری درباره بزه‌کار بدون شناخت او بی‌عدالتی است، گشودن پرونده شخصیت برای بزه‌کار ضروری است. مجله کانون وکلا، شماره ۱۲۶، ص ۱۲۶.
- ۳۸) ملک محمدی جهانی، رسول، (۱۳۹۳)، اصل فردی کردن مجازات در تعزیرات، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه قم.
- ۳۹) مؤذن دادگان، حسن علی، (۱۳۸۹)؛ پرونده شخصیت متهمان و ضرورت تشکیل آن در مرحله تحقیقات مقدماتی دادرسی کیفری، فصلنامه پژوهش حقوق، تهران، سال ۱۲، شماره ۳۰، صص ۲۴۹-۲۳۷.
- ۴۰) میرمحمدصادقی، حسین، (۱۳۸۶)، جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، تهران، میزان.
- ۴۱) یزدیان جعفری، جعفر، (۱۳۸۵)، اصل فردی کردن مجازات‌ها؛ تبعیضی فاحش یا عدالتی عادلانه تر، مجله فقه و حقوق، شماره ۱۱، صص ۶۴-۴۱.

- 1) Ashworth, Andrew, Sentencing and Criminal Justice, New York: Oxford University, 2005
- 2) B.R Clifford and J. Scott, (1987), "Individual and Situational Factors in Eyewitness Testimony," Journal of Applied Psychology 13 P: 52-59.



روانشناسی جنایی و مولفه های جرم سیاسی در ایران (مطالعه تطبیقی عصر پهلوی اول و جمهوری اسلامی) / ظهرا بی اصل - خانی - قرونه

- 3) Belmont R and Ceiselman E. (1990) Effect of witnessing conditions and expert witness testimony on credibility of an eyewitness. American Journal of Forensic Psychology. P11
- 4) D. Yarmey (2010) "Differences in Eyewitness Testimony. Personality and Individual Differences." American Psychological Association p: 559-563.
- 5) Ingraham, Barton, Tokoro, Kazuhiko. Political Crime in the United States and Japan: A Comparative Study, Issues in Criminology, Vol. 4, No. 2, 2003